

گزینہ های این شماره:

- ویژه کودکان:
- صفحات آموزشی، سرگرمی ها و سرودها، قصه
- ویژه نوجوانان:
- صفحات آموزشی، جوانه ها، سروده ها و سرگرمی ها
- ویژه نوجوانان و بزرگسالان سواد آموز
- صنف زبان مادری ما
- جهان ما
- باران تیزابی
- انرژی چیست؟
- قند و قروت
- حروف قمری و شمسی
- از زبان تاریخ

بهار

گاهنامه برومیزی کودکان و نوجوانان افغانستان (آموزشی و معلوماتی) نشریه «شاهمامه» نهاد انکشاف اجتماعی افغانها، هالند شماره سیزدهم، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی برابر به مارچ ۲۰۰۹ مسیحی



سحر فقیری کودک هوشمند، خیرخانه کابل

یادداشت اداره



خوانندگان گرانقدر "نهال" را سپاسگزاریم که با وجود کمی و کاستی ها و پراکنده گی های کاری در "نهال" باز هم مشوق ما در نشر این مجله بوده اند.

بی گمان انسان در هر جا و در هر محیطی که باشد، در گیر جنجال های زندگی میباشد و هر کس بهترین وقتش را زمانی میداند که با چیزی به ذوق و علاقه خود مشغول باشد. من خوبترین وقتم را هنگام مصروفیت و تهیه مطالب "نهال" میدانم ولی در این اواخر چنین زمینه کمتر میسر میشود و از اینرو تأخیری در نشر مسلسل این مجله رخ داده است.

اینبار هم "نهال" شاهد همکاری و توجه نویسندگان و فرهنگدوستان بوده و مطالب زیادی دریافت کرده است که ما شماری از این شگوفه ها را برجیده ایم و طراوت آن را نثار شما عزیزان میداریم.

طوری که دست اندرکاران نشرات بیرونمرزی تجربه کرده اند، فراهم آوری امکانات برای چاپ نشرات در کشور هایی که در آن کمتر به زبان های خارجی توجه میشود، آسان نیست؛ "نهال" هم این دشواری را پشت سر گذاشته است و از این بعد میخواهیم آن را صرف به شکل انترنتی نشر نماییم.

ما تلاش خواهیم کرد مطالب و محتوای این مجله را طوری تنظیم کنیم که کودکان و نوجوانان داخل کشور نیز از آن استفاده بتوانند و میخواهیم "نهال" را پلی سازیم برای ارتباط نوجوانان داخل و بیرون کشور و انتقال آگاهی های تازه و برابر به معیارهای آموزشی جهان پیشرفته امروزی برای کودکان و نوجوانان داخل افغانستان؛ به این سبب یکبار دیگر از صاحب نظران و دست اندرکاران عرصه های مختلف علوم و فرهنگ تمنا داریم تا در هر گوشه و کنار جهان که هستند، دست به دست هم نهند و این نهال نوپا را درخت پر ثمری سازند تا بتوانیم مطالب تازه و نو و با محتوای علمی در اختیار آینده سازان کشور قرار دهیم. ما به همکاری شما نیاز داریم و شما با ارسال مطالب تان میتوانید به گونه یی سهمی در ذهنیت سازی فرزندان کشور داشته باشید و بدون شک نوجوانان به زودی سهم بزرگی در آبادانی کشور خواهند داشت.

یادآور میشویم که نهاد «شاهمامه» با هیچگونه تنظیم و سازمان سیاسی پیوندی ندارد و دست اندرکاران نهال به این باور اند که با بلند بردن سطح آگاهی نوجوانان، ایشان خود میتوانند راه درست را انتخاب کنند و نهال زمینه تبلیغ کدام ایدیولوژی مشخص نیست. از آن نهاد ها و موسسات یا اشخاصی که با محتوای "نهال" موافق اند و علاقه تمویل این مجله را برای نشر و چاپ آن در داخل افغانستان دارند، تقاضا میکنیم تا با ما در تماس شوند؛ چون "شاهمامه" برای چاپ این مجله هیچگونه امکانات مادی در دسترس ندارد.

روشنفکران عزیز! بیایید همصدا شویم و نگذاریم زهر جهالت، تعصبات و خشونت در رویش و پرورش نسل های بعدی اثر گذارد.

چشم به راه همکاری های بیشتر شما،

منیژه نادری

NEHAL, 13th vol. March 2009

An Educational & Informational Occasional

Web. Maganzine for Afghan Children

Licence Holder: SHAHMOAMA, Holland

Afghan Social Development Foundation

Editor in Chief: Manizha Naderi

Assistants: Eqlima Paryan, A. Faqiri,

M. S. Farhoed & Salar Azizpoer

Contacts: nehal@shahmoama.com

shahmoama@yahoo.com

31(0)641375638

www.shahmoama.com

نهال

گاهنامه برونمرزی کودکان و نوجوانان افغانستان. (آموزشی و معلوماتی)

صاحب امتیاز و ویرایش: بخش نشرات «شاهمامه» نهاد انکشاف اجتماعی افغانستان. هالند

نشریه انترنتی

مدیر مسؤؤل: منیژه نادری

هیئت شورای دبیران: اقلیما پریان، عتیق الله فقیری، محمد شاه فرهود و سالار عزیزپور

هیئت تحریر در ویرایش مطالب خود را آزاد میدانند.

مطالب فرستاده شده به اداره «نهال» واپس نمیشود.

مسؤولیت محتوای مطالب بدوش نویسندگان است.

چاپ بخش های «نهال» با حفظ نام مجله و امتیاز به «شاهمامه» مجاز است.

آموزش زبان برای کودکان

به سلسله شماره های گذشته
پروفسور ابراهیم سروش منشی زاده

درس چهاردهم



حرف د:

کلمه: دروازه

دروازه

دروازه



جمله کامل:

دروازه مکتب باز است.

دروازه موتر باز است.

تمرینها

- این جملات را برجسته بنویسید:

دروازه موتر باز است. دروازه مکتب باز است.

- از هر یک از این دسته حروف یک کلمه بسازید.

باز _____ ؛ مکتب _____ ؛ موتر _____

- این کلمات را تکمیل کنید:

م_تر

ب_ز

م_ب

درواز_



- این جملات را تکمیل کنید.

دروازه مکتب باز _____.

موتر باز است. _____



- کلمه های زیر برای کودک خوانده شود و سپس کودک از آنها جمله بسازد.



شیرین، است، حلوا

پرده سفید، دارد، ما، خانه

مکتب، باز، دروازه، است

دارد، خسته، تریبوز

سرخ، انار، است



درس پانزدهم




حرف ذ: کلمه: ذکی

جمله کامل:  خواهرم ذکی و هوشیار است.

تمرینها

- این جملات را برجسته بنویسید:

خواهرم ذکی و هوشیار است. خواهرم ذکی و هوشیار است.

هر یک از این دسته حروف یک کلمه بسازید. 

ه و ش د ی ا ر _____ ؛ ذ ک ی _____ ؛ ا س د ت _____

- این کلمات را تکمیل کنید:

ا _____ ت _____ هوشیا _____ ذ _____ ی _____ 

- این جملات را تکمیل کنید

_____ ذکی و هوشیار است. خواهرم _____ و هوشیار است.

- کلمه های زیر برای کودک خوانده شود و سپس کودک از آنها جمله بسازد.

است، باز، دروازه، ما، مکتب

دیدم، سیاه، اسپ، را

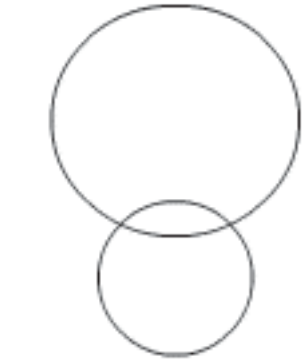
مادرم، لذیذ، حلوا، کرد، پخته

افغانی، لذیذ، اند، غذاهای

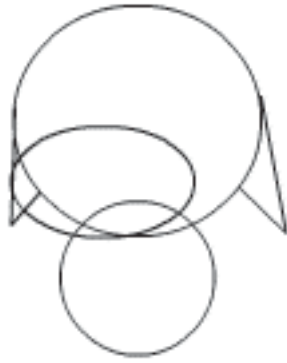
احمد، ذکی، پسر، است

بسیار، ذکی، است، خواهرم

دوستم، درد، دست، دارد



۱



۲



۳



۴



۵



۶



۷



۸



۹

شکل بالا را به ترتیب رسم نموده سپس رنگ آمیزی کنید و یک کاپی آن را با یک قطعه عکس تان به ایمیل اداره نهال بفرستید. nehal@shahmoama.com

پریگ

م. آذر



Ahmad Azizyar



پریگ: ای مورچه زحمتکش، چرا تو این قدر دانه جمع می کنی؟
مورچه: اگر حال جمع نکنم، وقتی که هوا سرد شود، گرسنه می مانم!



پریگ: ای زنبورک عسل، بالای گلها چی می کنی؟
زنبور عسل: من از شیره گلها برای دوستانم شهد می سازم!



پریگ: ای پشه نیشدار، چرا دنبال من میگردی؟
پشه: من زشت و تندخوی استم و از نیش خود زهر میریزم!



پریگ: ای مگس بی پروا، چرا بالای هر چیز پاک و ناپاک مینشینی؟
مگس: من با پاهایم میکروب را از یک جا به جای دیگر میبرم!

آیا می فهمی؟

- واژه هایی را که به گونه یی با هم ارتباط دارند، با هم وصل کنید.

افسانه	صحبت
زبان	برگ
شیر	بال
درخت	قصه
پرند	حيوان

- حرفهای مشترک هر دسته از واژه ها را بنویسید.

صبح - صبور - صبر (-)

جگر - گرد - دیگر (-)

پشه - هشت - تیشه (-)

دختر - درخت - تخت (-)

مادر - رمه - مار (-)

دوست - وسط - سپورت (-)

شهر - ریشه - شطرنج (-)

چهار عدد جفت را بنویسد که بر سه پوره قابل تقسیم

باشند. مثال: ۳۱۲۶

- این واژه ها را در جاهای مناسب جملات زیر بنویسید.

میله - گپ - طلایی - گدی

تهمینه دیروز _____ رفته بود. پدرش

برایش یک _____ خرید. گدی

تهمینه موهای _____ رنگ و پیرهن

گلایه دارد. تهمینه با گدی خود _____

میزند و آن را بسیار خوش دارد.

در زیر کلمه هایی که حرف های (چ - س - م) دارند،

خط بکشید:

سلما خواهر کوچک من است. او هر صبح با

من یکجا سپورت میکند. چاشت که از مکتب

می آید، هردو یکجا کار های خانگی خود را

اجرا میکنیم. او قصد دارد در آینده داکتر شود

چون دوست دارد مردم را کمک کند.

مقصود برادر بزرگم شاگرد صنف نهم مکتب

است. هر چیزی را که مادر درس های خود

نمی فهمیم، از مقصود می پرسیم. از چند

هفته به اینسو او هر شنبه صبح وقت به

کلب جیدو میرود. مقصود آرزو دارد در آینده

معلم شود و شاگردان را درس دهد.

پیوسته به شماره های گذشته

م. آذر

بیایید فارسی بیاموزیم!

آ- ا- ب- پ- ت- ث- ج- چ- ح- خ- د- ذ- ر- ز- ژ- س- ش- ص- ض
ط- ظ- ع- غ- ف- ق- ک- گ- ل- م- ن- و- ه- ء- ی

در این سلسله شماره های پیشین نهال با همه حروف الفبای زبان فارسی آشنایی پیدا کردید. در این شماره تمرینهای زیر را برایتان در نظر گرفته ایم.

- تمرین ۱: واژه های داده شده را در پایین تصویر مربوط آن بنویسید.

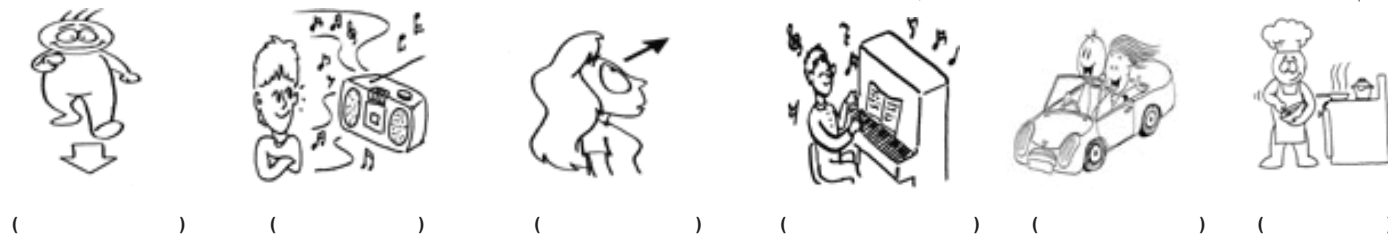
ظرف - مواظبت - غلیظ - غنچه مرغابی - چراغ



چین زدن - نوشیدن - مطالعه کردن - نوشتن - رقصیدن - خشمگین شدن



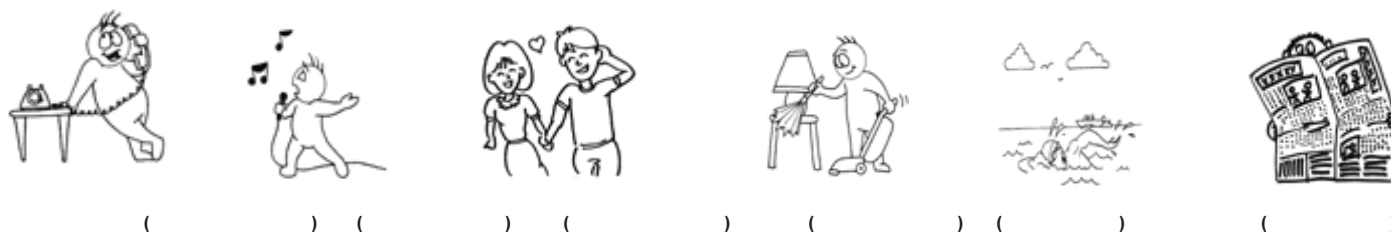
قدم زدن - شنیدن - رانندن - نواختن، آشپزی کردن - دیدن



شگفتن - دوستان - بیمار - پرسیدن - جنگ - تماشا کردن



آوازخوان - آبیازی - روزنامه - صحبت - دوستی - پاک کردن



حرفهایی را دریابید که به هر یک از حرف های داده شده آواز نزدیک و مشابه داشته باشد:

ث _____ ز _____
ح _____ ت _____

- واژه های زیر را به حروف تجزیه کنید:

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	دندان	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	شانه	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	دست
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	آرخ	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	گردن	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	گام
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	انگشت	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	روده	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	قدم
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	بندپا	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	زانو	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	چشم

- واژه های زیر را طوری تکمیل کنید که هر گروه بدست آمده به گونه یی با هم ارتباط داشته باشند.

بو___، ___وطی، بل___ل، ___رنده، گنج___ک، کنر___

پش___، ___گ، خر___وش، پستاند___ر، شت___، ش___ر

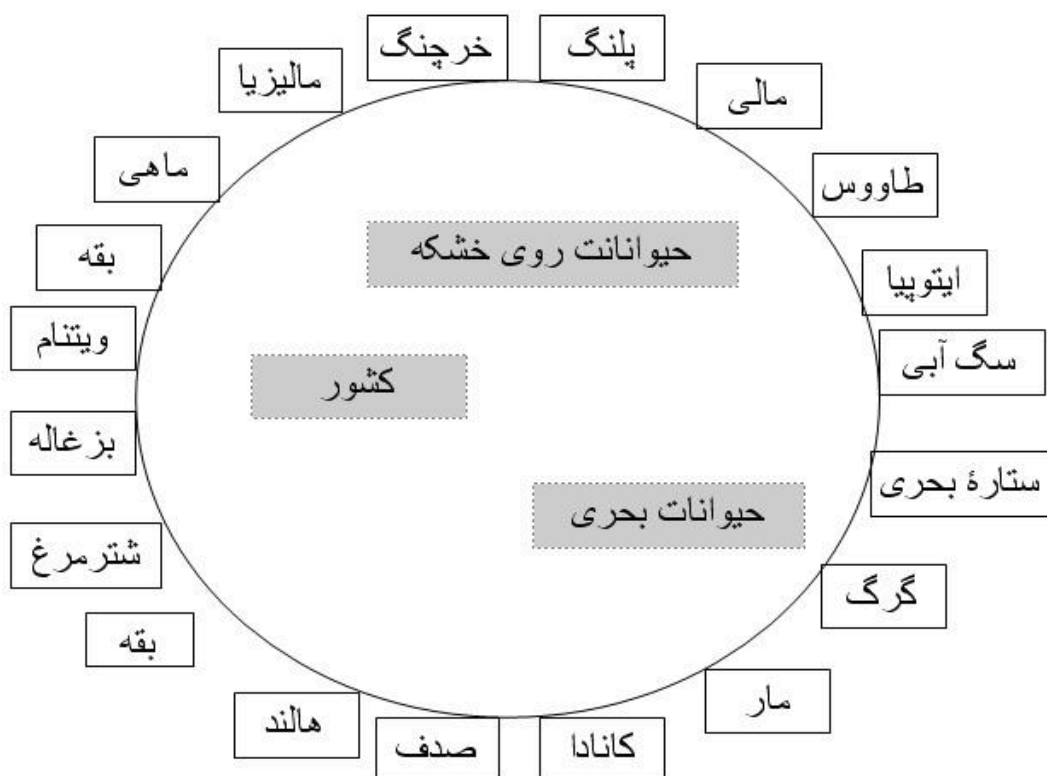
زنبو___، مو___چه، حشر___، پش___، ___گس، ج___لا

لا___ه، مر___ل، ___لاب، نبا___، سب___ه، در___ت

- واژه هایی هر سطر را که دو و یا بیشتر حرفهای مشترک داشته باشند، با هم وصل کنید:

سفر	غور	سراغ	فارغ	فردا	سفید
ریشه	دست	فشار	ترش	دشت	شمال
غزنی	ذغال	زخ	خزان	کاغذ	نازک

- واژه های دور دایره را به دسته مربوط آن در داخل دایره وصل کنید.



با استفاده از واژه های شکل بالا، جملات زیر را تکمیل کنید.

_____ و _____ کشور های افریقایى اند.

یکی از حیوانات زیبای بحری _____ که بیشتر رنگ سفید دارد.

_____ از جمله خزنده گان است که اکثر آنها بیشتر از یک متر طول دارند.

_____ از جمله حیوانات خطرناک به حساب میرود.

_____ پرنده بیست که پرهای زیبا دارد.

_____ در آسیا موقعیت دارد و بیشتر از ۵۰ فیصد مردم آن مسلمان اند.

_____ مرغ بزرگیست که کمی شباهت به شتر دارد.

چوچه بز را _____ میگویند.

_____ حیوانیست که در بحر و خشکه پیدا می شود.

خرگوش با هوش

برگرفته از سایت www.koodakan.org



از پشت بته ها نگاه کرد و دید گرگ پیر روی زمین افتاده و تکان نمی خورد .

خوشحال شد و گفت از شر این گرگ بدجنس راحت شدیم . خواست جلو برود و نزدیک او را ببیند اما قبل از اینکه از پشت بوته ها بیرون بیاید پیش خودش گفت: اگر زنده باشد چی؟ آن وقت مرا يك لقمه می کند، بهتر است احتیاط کنم و مطمئن شوم که او مرده است .

بنابراین از پشت بته ها با صدای بلند، طوریکه گرگ بشنود گفت: پدرم به من گفته وقتی گرگ میمرد دهانش باز میشود ولی گرگ پیر که دهانش بسته است .

گرگ با شنیدن این حرف کم کم و آهسته دهانش را باز کرد تا به خرگوش نشان بدهد که مرده است .

خرگوش که با دقت به دهان گرگ نگاه می کرد، متوجه تکان خوردن دهان گرگ شد و فهمید که گرگ زنده است . بعد با صدای بلند فریاد زد : ای گرگ بدجنس تو اگر مرده ای پس چرا دهانت تکان می خورد . بلند شو، من فریب شما را نمیخورم... و با سرعت از آنجا دور شد .

در جنگل سر سبز و قشنگی خرگوش باهوشی زندگی می کرد. يك گرگ پیر و روباه بدجنس هم همیشه نقشه می کشیدند تا این خرگوش را شکار کنند ولی هیچوقت موفق نمی شدند .

يك روز روباه مکار به گرگ گفت: من نقشه جالبی دارم و این دفعه می توانیم خرگوش را شکار کنیم .



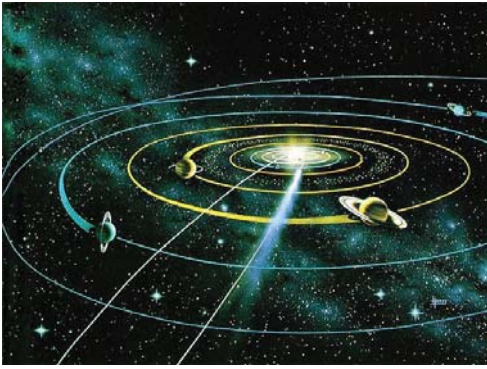
گرگ گفت : چه نقشه ای ؟
روباه گفت : تو برو ته جنگل ، همانجا که سمارقهای زهری رشد می کند و خود را به مردن بزن. من پیش خرگوش می روم و می گویم که تو مردی. وقتی خرگوش می آید تا ترا ببیند تو پیر و او را بگیر . گرگ قبول کرد و به همانجائی رفت که روباه گفته بود .

روباه هم نزدیک خانه خرگوش رفت و شروع به گریه و زاری کرد. با صدای بلند گفت : خرگوش میدانی بدانی چه بلائی سرم آمده؟ و همینطور با گریه و زاری ادامه داد: دیشب دوست عزیزم گرگ پیر اشتباهی از قارچ های سمی جنگل خورده و مرده، اگر باور نمی کنی برو خودت ببین!

و همینطور که خودش ناراحت نشان میداد دور شد. خرگوش از این خبر خوشحال شد پیش خودش گفت برم ببینم چه خبر شده است .

او همان جائی رفت که قارچهای سمی رشد میکرد.





چشمه های آبی

ستایش آفتاب

سرود کودکان

نوشته پوهنیار عبدالواسع رحمانی
نیو برخن - هالند

۲۰۰۸/۰۴/۰۳

ما کودکان پیام خوش آواییم
 پیک شما به کشور فرداییم
 هر آرزوی نیک شمایان را
 بر جان و دل سپرده و می پائیم
 ما را پپرورید و به جایی آرید
 باشد به روز سخت به کار آیم
 خدمتگزار توده زحمتکش
 ما پاسدار صلح به دنیااییم
 امروز اگر که خانه به خون خفته ست
 فرداش چون بهار می آراییم
 هر جا که شادی است و امید و عشق
 ماییم و نغمه گستر آن ماییم
 تک تک چو قطره ایم و چه بی اندام
 یک جا و لیک پر شده دریاییم!

آفتاب ، آفتاب ، آفتاب جان !
 تو گرم و مهربانی ...
 تو روشنی می آری...

 گفته بودند که آفتاب
 به دور ما میگردد.
 نی ! نی ! نی ! ..
 دروغ ، دروغ ، دروغ است !
 ما میگردیم به دورت ...
 ما میچرخیم به گردت ...

 گفته بودند که شبها...
 آفتاب میره به دریا...
 نی ! نی ! نی ! ..
 دروغ ، دروغ ، دروغ است !
 تو پیدایی همیشه !
 تو پا برجا همیشه !
 اینسوی دنیا گرسب است !
 آنسوی دنیا روشن است !



به سلسله شماره های گذشته
پروفسور ابراهیم سروش منشی زاده

برگرفته از سلسله «۹۹ کام»، آموزش زبان برای بزرگسالان سواد آموز

نظر به تقاضای خواننده گان صفحات بیشتر را برای این بخش در نظر گرفته ایم.

درس هشتم: حرف (ب) در آخر کلمه

دانستن: نواب، کتاب، خواب، جواب، خراب، صواب، ثواب

خواندن:

بهترین دوست انسان کتاب است.
خواندن کتاب خوب، صواب است.
جواب جاهلان، خاموشی است.
خراب کردن چیزی آسان، و ساختن آن مشکل است.
نواب انسان دانشمند است.
خواب خراب را به کس مگو.

گفت و شنود.

نوروزی: شما به کتاب خواندن دلچسپی دارید؟
سوزان: بلی کتاب بهترین دوست انسان است.
نوروزی: چرا کار خوب ثواب دارد؟
سوزان: چون کار خوب را خداوند دوست دارد.
نوروزی: آیا شما کتاب مثنوی مولوی را دارید؟
سوزان: بلی دارم و یگان جای آن را خوانده ام.
نوروزی: خواب کردن بهتر است یا کتاب خواندن؟
سوزان: هر کدام جای خودش را دارد.
نوروزی: برادر نواب کتاب فروشی میکند؟
سوزان: بلی او دکان قرطاسیه فروشی دارد و کتاب هم می فروشد.

نوشتن: این واژه ها را در کتابچه های تان بالای چهار خط بنویسید.

نواب، کتاب، صواب، خواب، جواب، خراب، ثواب

این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید.

کتاب، نواب، ثواب، خواب، جواب، خراب
مثال: جواب جواب جاهلان خاموشی است.

من از خواندن و مطالعه _____ لذت می برم.

_____ زیاد تر وقت خود را به _____ میگذراند چون بیکار است.

خاموش بودن بهتر از _____ نامناسب دادن است.

انجام دادن کار خوب _____ دارد، چون خداوند را راضی می سازد.

املا: این جملات را بعد از خواندن معلم در کتابچه های تان بنویسید.

آیا شما کتابهای خوب در خانه دارید؟
چرا مورچه ها چند ماه می خوابند؟
چرا شما کمک به دیگران را ثواب می دانید؟
راه صواب یا درست به نظر شما چیست؟

لطیفه

آشپز ماهر

خانمی برای استخدام یک آشپز زن در اخبار اعلان داد و بلافاصله دختری به او مراجعه کرد. خانم از دختر پرسید: تو آشپزی بلدی؟ دختر گفت: من دو رقم آشپزی بلدم، یک رقم برای مهمانان خود تان که دوستشان دارید و یک رقم برای مهمانان شوهر تان که می خواهید دیگر مزاحم شما نشوند.

درس نهم: حرف (پ) در شروع کلمه

دانستن: پدر، پرده، پنجه، پنیر، پنبه، پری

خواندن: پدر و مادر دو موجود گران بها هستند.
پرده پوشی در بعضی امور صفت خوب است.
پنیر با کشمش مزه خاص دارد.
پنبه مصر شهرت جهانی دارد.
رستم پهلوان قوی پنجه بود.

چهره زیبا را به پری تشبه میکنند.

گفت و شنود:

- رفیع: پدر شما تحصیل کرده است؟
شفیع: بلی پدرم تحصیلات عالی دارد.
رفیع: شما پلو را چگونه می خورید؟
شفیع: پلو و بعضی غذاها را با قاشق و پنجه میخوریم.
رفیع: پرده های خانه شما چه رنگ دارد؟
شفیع: پرده های خانه ما گلابی است.
رفیع: پنیر از چه ساخته می شود؟
شفیع: پنیر از شیر ساخته میشود.
رفیع: شما تا حال پری را دیده اید؟
شفیع: من پری را یک افسانه می پندارم.

نوشتن: این واژه ها را در کتابچه های تان بالای چهار خط بنویسید.

پدر، پرده، پنجه، پنیر، پنبه، پری

مشق: این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید.

پدر پرده پنجه پنیر پنبه پری

مثال: پری پری موجود افسانوی است.

_____ و مادر دو موجود مهربان برای فرزندان است.

قوت جسمانی انسان به بازو و _____ اش است.

_____ های سالون ما زیبا است.

خوردن _____ برای صحت مفید است.

تا حال هیچ کسی _____ را به چشم نه دیده است.

از _____ پارچه های زیبای نخی می سازند.

املا: این جملات را بعد از خواندن معلم در کتابچه های خود بنویسید.

عزیز تر از پدر و مادر کسی نیست.
 پنیر کشور هالند در جهان مشهور است.
 پرده پوشی، پنهان کردن را گویند.
 کتان از پنبه بافته میشود.
 با پنجه غذا می خوریم.
 پری پیکر، خوشنما و زیبا روی را میگویند.

لطیفه

اخراج روزنامه نگار

مردی به مدیر یک جریده مراجعه کرد و گفت: اگر فلان نویسنده را که آبروی مرا برده، اخراج نکنید، از دست شما شکایت می کنم. او مرا کلاهبردار و دزد خطاب کرده است.
 مدیر گفت: ما او را اخراج کردیم. چون این دفعه چندم است که به او اخطار داده بودیم که موضوعات عادی را که همه مردم از آن اطلاع دارند، در اخبار ننویسد.

درس دهم: حرف (پ) در وسط کلمه

دانستن: تپه، شبیره، سپر، اسپند، سپری، سپاه

خواندن: کابل تپه های زیبا دارد.
 شبیره روشنی را دوست دارد.
 سپر برای دفاع از شمشیر دشمن به کار می رفت.
 دود اسپند ماده ضد عفونی است.
 قشون، سپاه و لشکر یک معنا دارد.

گفت و شنود:

مسعود: حالا هم از سپر در جنگ استفاده میشود؟
 شفیق: نخیر، سپر جزو آثار عتیقه شده.
 مسعود: تپه از کوه چه فرق دارد؟
 شفیق: تپه نسبت به کوه پست است.

مسعود: چرا شبیره همیشه دور چراغ می چرخد؟
شفیق: زیرا روشنی را زیاد دوست دارد.
مسعود: دود اسپند چه خاصیت دارد؟
شفیق: دود اسپند خاصیت ضد عفونی دارد.
مسعود: سپری کردن چه معنا دارد؟
شفیق: مترادف گذشتانیدن است.
مسعود: کلمه سپاهی و سپاه از هم چه فرق دارد؟
شفیق: سپاه یعنی لشکر و قشون، سپاهی یک فردی از سپاه یا لشکر است.

نوشتن: این کلمات را روی چهار خط بنویسید.

تپه شبیره سپر اسپند سپری سپاه

این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید.

تپه، شبیره، سپر، سپری، سپاه

مثال: تپه _____ کوه نسبت به _____ بلند تر است.

خفاش یا _____ پرنده پستاندار است.

_____ در جنگها جهت دفاع از ضربه شمشیر استفاده میشد.

به قشون و لشکر _____ هم گفته میشود.

سپاهی شب را در دشت _____ کرد.

املا: جواب سوال های معلم خود را در کتابچه های تان بنویسید.

آیا همه تپه ها از خاک ساخته شده اند؟

نام دیگر "شبیره" چیست؟

در دوران قدیم سپر را برای چه استفاده می کردند؟

سپاهی و سپاه از هم چه فرق دارند؟

لطیفه

ارباب خسیس

ارباب خسیسی چهار نوکر داشت. روزی گدایی در خانه او را زد و کمکی طلب کرد. ارباب یکی از نوکرانش را صدا زد و گفت: ای ابراهیم به اسماعیل بگو که به قنبر بگوید که او به سلیمان بگوید که برود در خانه و به گدا بگوید که ما چیزی نداریم. چون گدا این حرف را شنید، سر به آسمان بلند کرد و گفت: ای خدا به جبرئیل بگو که به میکائیل بگوید که به اسرافیل بگوید که به عزرائیل بگوید که جان این مرد پول دوست را بگیرد.

درس یازدهم: حرف (پ) در آخر کلمه

دانستن: کمپ، گپ، اسپ، چپ، چاپ

خواندن: کمپ خیمه و همچنان اردوگاه را گویند.

هنگام گذشتن از جاده باید سمت راست و چپ خود را ببینیم.
گپ زدن و سخن گفتن آسان است اما عملی کردن آن مشکل.
در بازی بز کشی از اسپ های چست و چالاک استفاده می کنند.
با به میان آمدن کمپیوتر، صنعت چاپ پیشرفت زیاد کرده است.

گفت و شنود:

فاروق: شما امروز به کمپ جوانان نرفتید؟

فواد: نخیر، کار داشتم نتوانستم.

فاروق: چرا بز کشی شامل بازی های المپیک نیست؟

فواد: چون در اکثر کشور ها این بازی رایج نیست.

فاروق: چرا موتر ها در افغانستان به دست راست جاده میروند و

در پاکستان به دست چپ؟

فواد: چون قانون ترافیک پاکستان سمت چپ است.

فاروق: پرحرف به چه کس ها می توان گفت؟

فواد: کسی که بیهوده زیاد حرف بزند و صحبتش تسلسل منطقی نداشته باشد.

نوشتن: این واژه ها را در کتابچه های تان بالای چهار خط بنویسید.

کمپ گپ اسپ چپ چاپ

مشق: این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید.
کمپ، گپ، اسپ، چپ، چاپ

مثال: مهاجرین در کمپ زندگی می کنند.

_____ و سخن بی جا انسان را کوچک میسازد.

بعضی ها فکر می کنند که دیدن _____ سفید در خواب خوشبختی است.

برخی از مردم با دست _____ می نویسند.

کتاب، مجله و اخبار را در مطبعه _____ می کنند.

املا: به سوالات معلم خود جواب دهید.

چرا برخی از انسانها چپ دست استند؟

اگر از کسی می خواهید که گپ نزند، به او چه میگویید؟

کدام محل و جای را کمپ گویند؟

لطیفه

مردی به قصد رفتن به مزرعه، سوار بر خرش شد و آن را به سوی مزرعه راند. در بین راه خسته شد و حرکت خر را آهسته کرد و کم کم روی خر خوابش برد. خر راه شهر در پیش گرفت و جلو یک دکان قصابی ایستاد. ناگهان مرد از خواب بیدار شد و مات و مبهوت به اطراف نگاه کرد. قصاب پرسید: آقا، این جا چه می کنی؟ مرد جواب داد: «والله من نمی دانم، از خر بپرسید.»

تمرینها

تمرینهای درس هشتم

حرف «ب» در اخیر کلمه:

الف. جاهای خالی جملات را با انتخاب کلمات مناسب پر کنید.

مثال: کتاب دوست خوب انسان است. شخص بادانش هم دوست خوب است.

نواب، ثواب، کتاب، خواب، جواب، خراب

۱. من بسیار زحمت می کشم. برادرم _____ هم زحمت می کشد.

۲. دوستی با انسان دانا سودمند است. _____ هم دوست خوب انسان است.
۳. کمک کردن به ناداران خوب است. کمک کردن به ناداران _____ دارد.
۴. گفتار بد خسته کن است. _____ زیاد هم خسته کن می شود.
۵. او چرا پاسخ مرا نداد. او چرا _____ مرا نداد.

ب. این کلمات را در جا های مناسب جملات بگذارید.

- مثلاً نواب باوقار است. برادر نواب بی وقار است.
 آباد، گناه، الماری، بیدار، سکوت
۱. کتاب را باید مطالعه کرد. کتاب را نباید صرف در _____ نگهداشت.
 ۲. کمک کردن ثواب دارد. دل رنجاندن _____ دارد.
 ۳. فرید تا ساعت سه بجه خواب بود. من تا ساعت سه بجه _____ بودم.
 ۴. من می خواهم جواب مرا بدهید. من نمی خواهم _____ کنید.
 ۵. شما خانه مرا خراب کردید. ولی من خانه شما را _____ کردم.

ج. از این کلمات یک جمله بسازید.

مثال: میوه، دارم، من، بسیار، را، دوست
 من میوه را بسیار دوست دارم.

۱. برای، مطالعه، است، کتاب

۲. خواندن، ثواب، دارد، نماز

۳. انسان دارد، نیاز، خواب، به

۴. ابله ها، خاموشی، جواب، است

۵. خراب، آسان، کردن، است، ولی، کردن، مشکل، آباد

د. زیر جملات درست خط بکشید و گونه غلطی جمله نادرست را توضیح کنید.

- رفتم من کتاب را بخرم. من رفتم تا کتاب را بخرم.
 نواب یک دوست وفادار است. است نواب یک دوست وفادار.
 کتاب نگهداشتن برای خواندن است. کتاب برای خواندن است نه برای نگهداشتن.
 کار خوب ثواب دارد. کار نیک ثواب دارد.

حقیقت دارد دیدن خواب جواب شما درست است.
خواب دیدن حقیقت دارد.
جواب شما درست است.
شما جواب درست است.
هـ. این جملات را به طور درست روی چهار خط بنویسید.

نام شما چیست؟
نام من داریوش است.
برادر شما چه نام دارد؟
برادر من کامبیز نام دارد.
شما در کدام سال تولد شده اید؟
من در سال ۱۳۷۹ تولد شده ام.

و. این نکته را حفظ کنید:

علم تنها آموختن فقه و دانستی های دینی نیست بلکه دانستن حرفه و هنر نیز خود دانش است.

تمرینهای درس نهم حرف «پ» در شروع کلمه:

الف. جاهای خالی جملات را با انتخاب واژه های مناسب پر کنید.
پری، پنجه، پدر، پرده، پنیر، پنبه

۱. _____ های خانه شما چه رنگ دارد؟

۲. مادر و _____ یک زوج می شوند.

۳. پهلوان _____ های نیرومند دارد.

۴. _____ از شیر ساخته می شود.

۵. در مملکت عزیز ما _____ زیاد کشت می شود.

۶. خانم برادرم مثل _____ زیباست.

ب. این واژه ها را در جا های مناسب جملات زیر به کار برید.
ارزان، باریک، فاسد، راحت، خیالی، مهربان

۱. مادرم بسیار _____ است. پدرم بسیار دوست داشتنی است.

۲. پرده ابریشمی بسیار قیمتی است. پرده کرباسی بسیار _____ است.

۳. پنجه های پسر برادرم چاق است. پنجه های خواهرش _____ است.

۴. پنیر تازه لذیذ است. پنیر _____ انسان را مریض میکند.

۵. لباس کتان و سرد برای تابستان است. لباس پشمی برای تابستان _____ نیست.

۶. انسان موجود واقعی است. پری موجود _____ است.

ج. از این کلمات یک جمله بسازید.

۱. پدر، شما، خود، دوست، چرا، ندارید، را _____ ؟

۲. پرده های، نصب، چرا، در، زمستان، میکنند، ضخیم

_____ ؟

۳. انگشت، از هم، چه و، فرق، دارند، پنجه

_____ ؟

۴. دارد، آیا، بریان شده، غذای، ضرر _____ ؟

۵. شما، پنبه ای، را، ابریشمی، لباس، دوست، دارید، یا، را

_____ ؟

۶. پری، آیا، شما، دیده اید، چشم، به، را _____ ؟

د. زیر جملات درست خط بکشید و نوعیت غلطی جمله نادرست را توضیح کنید.

پنیر فاسد رنگ آن زرد می شود. پنیر فاسد شده رنگ سبز پیدا میکند.

پنبه برای خوردن است نه پوشیدن. پنبه برای ساختن لباس است نه برای خوردن.

مادر و پدرم در خانه مشترکاً کار می کنند.

مشترکاً در خانه کار پدر و مادرم می کنند.

پنجه بکس آهنی خطرناک است. بکس پنجه آهنی خطرناک است.

پری موجود خیالی است و کس او را ندیده است.

پری یک موجود واقعی است و هرکس او را دیده است.

پرده برای روشنایی است. پرده برای جلوگیری از گرمی و روشنایی است.

ه. این جملات را به طور درست روی چهار خط بنویسید.

۱. آیا شما از خود خانه دارید؟

۲. نه، ما تا حال خانه نداریم.

۳. میخواهید خانه بی از خود داشته باشید؟

۴. بلی، ولی با این درآمد کم ممکن نیست.

۵. مسلمانان مرده را دفن می کنند.

و. این نکته ها را حفظ کنید:

حکیمی را پرسیدند: از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن را که سخاوت هست به شجاعت حاجت نیست.

نبنشته است بر گور بهرام گور که دست کرم به ز بازوی زور

تمرینهای درس دهم

حرف «پ» در وسط کلمه:

الف. جاهای خالی جملات را با انتخاب کلمات مناسب پر کنید.

چیپه، شبیره، تپه، سپید، جمپر

۱. در مملکت ما جوانان بیشتر _____ چرمی می پوشند.

۲. _____ با پروانه فرق دارد.

۳. فرهاد پیاله آب را _____ کرد.

۴. کوه از _____ فرق دارد. کوه از سنگ و _____ از خاک ساخته شده است.

۵. رنگ سفید را _____ هم می گویند.

ب. این واژه ها را در جا های مناسب جملات زیر به کار برید.

آرام، فلزی، کوه، چیپه، پروانه، کرتی، سیاه

۱. دیگ ما سرپوش شیشه یی دارد. دیگ شما سرپوش _____ دارد.

۲. تپه از خاک زیاد بوجود آمده است.

_____ از سنگهای کلان به وجود آمده است.

۳. خواهرم همیشه متوجه است که لباسش را راسته بپوشد.

برادرم گاهی لباس های خود را _____ می پوشد.

۴. شبیره عاشق گلهاست. _____ گلها را دوست دارد.

۵. _____ را باید بالای پیراهن پوشید. جمپر را هم بالای پیراهن می پوشند.

۶. پدرم سپید موی است. مادرم موهای _____ دارد.

ج. از این کلمات یک جمله بسازید.

۱. از، سپیده دم، برآدم، خانه، من
۲. او، عاداتی، بد، این، که، است، هرچیز، یکی، میکند، از، خراب، را
۳. از، جمپر، چرم، چرمی، می سازند.
۴. در، تپه، خاکی، میمنه، های، زیاد، است.
۵. عاشق، گل‌های، صحرا، است، و باغ، پروانه
۶. واکسین، می شوند، اطفال، وقایه، مریضی، با، از

د. زیر جملات درست خط بکشید و نوعیت غلطی جمله نادرست را توضیح کنید.

- بار برنج پلو می پزند. با دال نخود پلو خوشمزه می پزند.
 بُت بامیان از سنگ ساخته شده بود. بُت بامیان یک تپه خاکی است.
 در وقت گذر از جاده باید چپ و راست خود را ببینیم.
 چپ و راست خود را ببینم باید در گذر جاده.
 پروانه تنها یک رنگ دارد. پروانه رنگ‌های گوناگون دارد.
 جمپر چرمی از چرم ساخته می شود.
 جمپر چرمی از پارچه های ابریشمی ساخته می شود.
 واکسین سبب مریضی اطفال می شود.
 واکسین اطفال را از مریضی وقایه می کند.

ه. این جملات را به طور درست روی چهار خط بنویسید.

۱. شما در کدام ولایت افغانستان زندگی میکنید؟
۲. من با فامیلم در هرات زندگی میکنم.
۳. ولایت هرات به کدام طرف افغانستان است؟
۴. هرات به طرف غرب افغانستان واقع شده است.
۵. آیا ولایت هرات بزرگ است؟

۶. هرات دومین شهر بزرگ افغانستان است.

و. این دو بیت را حفظ کنید:

بر چهره خوب تو فشانديم ثنا
جان و دول و دیده هرسه کردیم فنا
در هر چه کنی زدل بدادیم رضا
حکمی که کنی دگر به جانست روا

(خواجه عبدالله انصاری)

تمرینهای درس یازدهم حرف «پ» در اخیر کلمه:

الف. جاهای خالی جملات را با انتخاب کلمات مناسب پر کنید.

گپ، چپ، تپ، جمپ، پمپ

۱. امروز از _____ برقی بسیار استفاده می شود.
۲. _____ و حرف خوب شما، مقام تان را در نزد مردم بلند می برد.
۳. _____ وسیله بیست که در تشناب از آن برای غسل کردن استفاده می شود.
۴. _____ یک کلمه انگلیسی است که به مفهوم خیز زدن استفاده می شود.
۵. امروز به احزاب کمونیستی و سوسیالیستی احزاب _____ و به احزاب مذهبی احزاب راست می گویند.

ب. این واژه ها را در جا های مناسب جملات زیر به کار برید.

خاموش، راست، نشان، حوض، ساکت، چرخ چاه

۱. کشیدن آب چاه با پمپ آسان است. آب کشیدن با _____ مشکل است.
۲. او خوش دارد دایم گپ بزند.
- من دوست دارم بیشتر _____ باشم و کمتر گپ بزنم.
۳. در پاکستان موتر ها باید به دست چپ جاده بروند.
- در انگلستان و کشور های مستعمره سابق آن موتر ها به دست _____ می روند.
۴. کپ طلایی یک نشانه موفقیت است. _____ مانند کپ نیست.

۵. تپ یک وسیله حمام و شستشو است. _____ یک جای بزرگ برای آبیاز است.

ج. از این کلمات یک جمله بسازید.

۱. امروز، خیمه، بزرگ، به، می گویند، کمپ

۲. راننده، حرکت، به راست، خود، و چپ، باید، در، ببیند، هنگام

۳. پمپ، آب، برق، توسط، به حرکت، می آید.

۴. غسل، آب، در، تپ، گرم، است، خوش آیند

۵. گپ، زدن، خوب، زیاد، مجلس، در، نیست، بزرگان

د. مفهوم کدام جملات به نظر شما درست است؟ زیر آن خط بکشید.

پرحرفی علامه بزرگ است.	سنجیده گپ زدن علامه بزرگ است.
به کمونست ها چپی ها می گویند.	به پولدار ها چپی ها می گویند.
در مسابقات برای برنده کپ میدهند.	کپ مانند یک نشان است که عسکر ها دارند.
تپ از چوب ساخته میشود.	تپ از مواد کاشی ساخته میشود.
جمپ به معنای ساکت بودن است.	جمپ به معنای خیز زدن است نه ساکت ماندن
با پمپ از چاه آب می کشند.	با چاه از پمپ آب می کشند.

ه. این جملات را به طور درست روی چهار خط بنویسید.

۱. افغانستان در کدام براعظم واقع شده است.

۲. افغانستان در براعظم آسیا واقع است.

۳. حدود اربعه افغانستان را بگویید.

۴. افغانستان از طرف شمال با کشور های آزاد شده روسیه، از طرف جنوب با پاکستان، از شرق با پاکستان، هندوستان و چین، و از طرف غرب با جمهوری اسلامی ایران هم سرحد است.

جوانه ها

یادآوری: نسبت سکتگی در نشرمسلسل مجله نهال، مطالب رسیده به این صفحه به موقع به نشر نرسید؛ ولی نسبت ارزشمندی این مطالب از نشر آن صرفنظر نکردیم.



او را "نابغه کوچک افغان" نامیده اند

گزارش از سید مصطفی جاوید . کابل

وقتی شنیدم پسرخورد سالی از ولایت هلمند به کابل آمده است و به او لقب "نابغه کوچک افغان" را داده اند . بسیار برایم جالب و تعجب آور بود؛ چون از خصوصیات او شنیده بودم که ۷ ساله است و به زبانهای دری ، پشتو و انگلیسی تسلط دارد. من بسیار مشتاق شدم که وی را از نزدیک ببینم و از او مصاحبه یی تهیه کنم تا برای کودکان و نوجوانانی ما در داخل و خارج کشور یک الگو باشد. از او وقت خواستم تا همایش گفتگویی را ترتیب دهم. چون پدرش به زبان فارسی

آشنایی نداشت. همراه خود کودک صحبت کردم و یک چهارشنبه را تعیین کردیم و اونیز صمیمانه با لهجه کودکانه اش پذیرفت. من برای رسیدن وقت موعود لحظه شماری می کردم. دوست داشتم تمامی واقعیات را از زبان خودش بشنوم . روز چهارشنبه و ساعت دیدارمان فرارسید. دیدم پسر کوچک به همراه مرد

میانسالی وارد دفترم شدند. از جای خود برخاستم و با دست دادن فهمیدم که مهمانان ویژه من هستند.

پدرش از روزهایی تعریف کرد که پسرش یک و نیم ساله بود؛ روزی که برای تداوی مریضی پسرش به پیش داکتر رفته بودند از حادثه غیر قابل باورش گفت: "دیدم پسرم به داکتر میگوید نام مرا اشتباه نوشته کردید! داکتر وراخطا شد و با تعجب گفت بله ببخشید اشتباه شد و دوباره نام صحیحش را نوشت!"

پسرک با شرم و حیای کودکانه آماده بود تا به سوالات من جواب دهد.

با سلام صحبتهای خود را آغاز کردیم:

" نام مه عبدالهادی است ولد نسیم در ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند پیدا شده ام"

بسیار شیرین صحبت می کرد و من جذب صحبتهايش شده بودم. وادامه داد:

"مه در سال ۱۳۸۰ به دنیا آمدم و حالی ۷ ساله استم" از او خواستم بیشتر بگوید.

" مه بسیار خورد بودم که پیش داکتر رفته و دیدم که داکتر نام مرا اشتباه نوشته است و برای او گفتم و همه تعجب کردند و بعد ازاین که به خانه آمدم، پدرم وراخطا شده بود و گفت تو از کجا یاد گرفتی مه نمی دانستم که به او چی جواب بتم چون مه خودم هم نمیدانستم.

بعد از آنروز بود که پدرم یک سه پاره قرآن شریف را برای مادرم آورد تا همراهی مه بخواند و فقط ۷ روز همراهی مه خواند. بعد از او مه خودم قرآن شریف را تا سن ۳ سالگی ختم کردم.

و زبان دری و پشتو و انگلیسی را به آنکه کورس بروم به آسانی صحبت می کردم و می نوشتم."

این صحبتهایی بود که از زبان "نابغه کوچک افغان" یعنی عبدالهادی جان شنیده بودم.

عبدالهادی گفت پدر و مادرم مکتب نخوانده اند و خانواده ما را ۶ خواهر و خودم همراه با پدر و مادرم تشکیل می دهد.

وی گفت " مه ریاضی و الجبر را نیز به راحتی یاد میگیرم."

من واقعا تعجب کرده بودم همراه وی انگلیسی هم صحبت کردم. او با یک لهجه کاملا بریتش(انگلیسی) لغات را تلفظ می کرد و فهمیده می شد که بسیاری از لغات را هم از یاد دارد.





از او درباره شغل آینده اش نیز پرسیدم. او گفت که می خواهد در آینده یک اجنیر شود و وقتی از او پرسیدم که کدام رشته اجنیری، پاسخ داد: "رشته اولش را."

مرا بسیار خنده گرفت. در حالی که همراه هم شوخی و خنده می کردیم گفتم عبدالهادی جان، تو همراه چی قسم دختر ازدواج خواهی کرد. شرمید و گفت: "مه خو حالی خورد استم".

در ادامه از او پرسیدم که در خانواده کی را بیشتر دوست دارد. گفت: "همه را" هر چی اصرار کردم که نام یکی را بگیرد، نگفت.

خلاصه در آخر از نابغه کوچک خواستم تا پیام خود را به کودکان بگوید. گفت: "مه از دوستایم می خواهم که همیشه به پدر جان و مادر جان خود احترام کنند. چون که خداوند فرموده بهشت زیر پای مادر و پدر است." آخرین لحظات مصاحبه ما بود و همراه او نیز چند قطعه عکس گرفتیم و از او تشکری کردم که در این گفتگو

خانواده عبدالهادی جان یک سال می شود که به کابل آمده اند و وی با رییس جمهور کوزی و در زمان حیات ظاهر شاه با او نیز ملاقاتی داشته است.

از او درباره ملاقاتش با کوزی پرسیدم گفت:

"بابای ملت به مه گفت تو پشتون استی هزاره استی یا تاجیک؟ مه گفتم مه پشتون استم بابای ملت گفت بینی تو پخش است. تو هزاره استی". بسیار بلند بلند خنده می کرد. فکر کنم که بسیار از این خاطره خوشش آمده بود.

از نابغه کوچک افغان در رابطه با کارهای روزمره اش پرسیدم گفت:

"صبح که از خو می خیزم. دست و رویم را می شویم و نماز می خوانم بعد قرآن شریف را می خوانم و به کودکستان می روم. ده اوجه همای دوستایم میوند. وحید و منصور بازی و ساتیری می کنم و چاشت پس به خانه میایم."

شرکت کرد. او هم از مه خوش بود و وعده داد که همیشه وقت تلاوت قران کریم مرا هم دعا کند.

یادداشت نهال: همه ما به وجود کودکانی همانند عبدالهادی اقتدار میکنیم و امیدواریم زمینه های نوبی برای تشویق و رهیابی این کودک در زندگی آینده اش میسر شود. تا چنین استعداد های ما ضایع نشده و در بازسازی و ترقی کشور ما سهم بارز داشته باشند. ولی این سوال باقی میماند که کی در زندگی و آموزش زبان های فارسی و انگلیسی و دیگر مسایل آموزشی در زندگی عبدالهادی نقش داشته است؛ چون یک نابغه استعداد آموزش بیشتر میدارسته باشد ولی در کودکی پییزی را از غیب نمیفهمد.

فوشالیم که بار دیگر زمینه فراهم آمد تا از زبان مادر صدف حرفهایی در باره این نوجوان آگاه و مستعد بشنویم.



برنده جایزه جریده Eindhovenadblad شود. میخوام کارها دست آورد های دیگر صدف را در اینجا بنویسم: در سال ۲۰۰۱ صدف با رسمی توانست برنده جایزه اول روز بین المللی ضد تبعیض نژادی شود. همچنان در همین سال با نوشتن قصه یی برای برنامه "موشک طلایی" یا Goude Muis برنده

جایزه دوم موشک نقره یی Zilver Muis شد و جایزه ها توسط دو نویسنده مشهور هالندی اعطا گردید.

در سال ۲۰۰۲ صدف آگاهی یافت که کتابی بنام De Vijf برای اطفال و به همکاری شان چاپ میشود و قصه صدف در فصل پنجم این کتاب اقبال چاپ یافت. قابل تذکر است که نشر قصه کودک خارجی

از: ظریفه احمدی

خواننده گان عزیز نهال سلام،

دخترم صدف یوسفی در بهار ۱۳۷۰ خورشیدی در کارته نو کابل به دنیا آمد. او نسبت استعداد و ذکاوتی که داشت، در ۳-۴ سالگی به آموختن حروف الفبا و قرآن مجید علاقه گرفت و بعد ها به دیگر دانستی های دینی پرداخت.

در سال ۱۹۹۷ بنا به شرایط ناگوار جنگ پناهنده کشور هالند شدیم و فعلاً با هم در شهر Eindhoven زندگی میکنیم. با رسیدن ما در این کشور، او به زودی با برادرش امید شامل مکتب آموزش زبان هالندی شدند و در آموزش زبان هالندی کوشش زیاد کردند و میخواستند تا زبان همبازی هایش را زودتر یاد بگیرند.

بعد از گذشت هفت ماه صدف توانست شامل صنف چهارم مکتب شود و تمامی دروس را به زبان هالندی فراگیرد.

صدف در کنار این که به مطالعه و خواندن مجله و کتاب علاقه دارد، بیشتر وقتی را که در خانه مییاشد صرف آشپزی و دیگر کارهای خانه میکند. همچنان با علاقه یی که در پی گیری مطالعه و سرگرمی های ذهنی داشته و دارد، در سال ۱۹۹۹ زمانی که هنوز هشت سال بیش نداشت توانست

همواره به تجسس و پرسش پرداخت که چه راهی وجود دارد که اگر بتوانیم هموطنان و به خصوص زنان کشور را کمک کنیم. من که به گونه بی تسلی اش میگردم، در چشمانش خواندم که او اندیشه اش را دنبال میکند.

در اپریل ۲۰۰۷، در یک روز رخصتی نردم آمد و گفت: "مادر، میخوام لباس بسازم، آن را بفروشم و پولش را به زنان افغان کمک کنم." من که میدانستم صدف خیاطی بلد نیست و از جانبی علاقه هم ندارد و زیاد مصروف است، نمیدانستم که چگونه خواهد توانست لباس بدوزد. او پارچه های خورد و ریزه تکه را گرد آورد و به ساختن یکی از طرح های خود پرداخت و اولین پیرهن خود را در مدت دو هفته ساخت.

این برنامه اش در پروگرام فعالیت های مکتب بازتاب یافت و صدف متقبل ساختن ده دست لباس تا سال ۲۰۰۸ شد. بعد از تلاش زیاد و رفتن به بازار و خرید مواد خیاطی، به کمک من و پدرش، آهسته آهسته او راهش را یافت و تا حدی که خود کفی شد و دیگر از ما کمک پولی نخواست. او که هفته دو روز به حیث فروشنده کار میکند، عاید خود را مصرف لباس های تولید شده اش میکند.

بالاخره با همکاری ده همصنفی اش در برنامه نمایش لباس و یاری برادرش در تهیه موسیقی برنامه بی را زیر نام "شب عربی" راه اندازی کردند و در ۲۳-۲۴ اپریل سال ۲۰۰۸ در یکی از سالون های EFFenaar این پروگرام تفریحی برپا شد. سپس صدف با بانو سحیه یکی از گرداننده گان برنامه های تلویزیون آریانا افغانستان در امریکا به تماس شد و به او پیام خود را رسانید. حال صدف آرزو دارد که لباسهای هرچه زودتر به فروش برسد تا از یکسو پول بدست آید و سویی با خاطر آرام بتواند آماده امتحان دولتی سال ۲۰۰۹ شود. او میخواهد در رشته قانون درست بخواند و قاضی شود.

من و پدرش نذیر یوسفی میخواهیم تمام زمینه های پیشرفت دختر مان را فراهم سازیم تا بتواند به آرزو هایش دست یابد.

زبان که چند سالی بیش را در این کشور نگذشتانده و قابل پذیرش نویسنده گان هالندی گردد، خود یک موفقیت بزرگ برای صدف بود.

در سال ۲۰۰۳ بار دوم قصه صدف برنده دوم جایزه مسابقه موشک طلایی گردید و او افتخار دریافت جایزه اش را از دست یکی از نویسنده گان بزرگ هالند کسب کرد.

در ۲۰۰۵ صدف در مسابقه کشوری (landelijk) توانست با سرودن پارچه شعر "خواب" از طرف کمیته Doemaar Dictimaar در مسابقه انتخاب بهترین شعر اشتراک کند و این سروده اش غوغا به پا کرد. این برنامه توسط عروس ملکه هالند خانم Larranten افتتاح شد و شعر صدف در اخبار ها و کتاب اختصاصی این برنامه نشر شد. مدتی نگذشت که صدف به خاطر خوانش و ضبط شعرش در برنامه های مختلف اشتراک کرد و حتی این سروده اش توسط گروه های هنری هالندی خوانده شد و در مسابقه بین المللی بلژیک - هالند هم جای خود را نیاخت و در ۲۰۰۶ دی. وی. دی. آن نیز نشر شد.

ناگفته نگذردم که من با افتخار زیاد همیشه همسفر کارهای و برنامه های دخترم بوده ام و او بر علاوه که از جانب هالندی ها تشویق شده است، مورد تحسین و ستایش افغانهای باشنده هالند به ویژه بانو جمیله زمان انوری (مادر ژورنالیست افغانستان) قرار گرفته است.

صدف بر علاوه مشغولیت های زیادش به رسامی و طراحی لباس هم پرداخته است و البومی از رسم ها و طرح های خود دارد و آرزو دارد دیزانر یا طراح لباس شود ولی با این همه از خیاطی و دوخت خسته میشود و به آن علاقه ندارد.

صدف با وجودی که سالهاست از کشورش دور است، مگر حس وطندوستی و محبت به هموطنانش در رگهایش جاریست. او همواره برنامه های چینل های مختلف افغانستان را تعقیب میکند و از درد مردم خود آگاه است.

شبی یکی از برنامه ها را دید و اشک از چشمانش جاری شد و

آرمان کوهی قهرمان جهانی شطرنج در بخش خورده سالان شناخته شد!

ارسالی انجنیر جمشیدی حکم بین المللی شطرنج



توسط یک شطرنج باز با استعداد کشور به اسم آرمان کوهی به اهتزاز آمد که نظر ۱۴۰۰ اشتراک کنندگان مسابقات قهرمانی جهانی را به خود معطوف ساخت.

آرمان کوهی پسر ۱۰ ساله محمد شفیع کوهی مقیم کشور فرانسه توانسته که

باتشویق والدین خود به قهرمانی جهانی راه یابد و افتخاراتی را برای افغانستان ثبت تاریخ نماید.

انجمن شطرنج بازان بیرونمرزی کشور موفقیت های این نوجوان را تبریک گفته پیروزی های بیشتر را برای شان آرزو مند است.

کشور ترکیه میز بان قهرمانی شطرنج بازان خورده سال و نوجوانان ۱۶۴ کشور در سال ۲۰۰۷ جهان بود.

مسابقات قهرمانی جهانی شطرنج ۲۰۰۷ بین خورده سالان ۸ ساله و بالاتر آن در کشور ترکیه از تاریخ ۱۸ نومبر آغاز والی ۲۸ نومبر ادامه داشت.

در گروپ ۱۰ ساله ها بین ۱۵۶ شطرنج باز جهان بیرق افغانستان

عبدالله کمال رفیع نوجوان رشید و رهپوی هنر موسیقی

میبالد و به تمام مادران و پدران افغان در کشور های غربی توصیه میکند که فرزندان خود را با روحیه فرهنگی و زبان مادری نشان پرورش و آموزش دهند.

وی، آرزو دارد که در آینده در رشته اقتصاد تحصیل کند.

عبدالله از پنج سالگی ورزش تکواندو را نزد پدر خود و ماستر کوریایی آموخته و ادامه میدهد. هم اکنون کمر بند «مشکی دان ۲» دارد و نوجوانان را تمرین میدهد. البته در مسابقات جرمنی و اروپایی به اخذ مدال ها و کپ های بیشمار نایل گردیده است.

عبدالله وقت فراغت خود را به موسیقی، مطالعه و ورزش سپری میکند. همچنان با چهار برادر دیگر خود نیز مشغول است و مسئولیت نسبی آنها را نیز بدوش گرفته است.

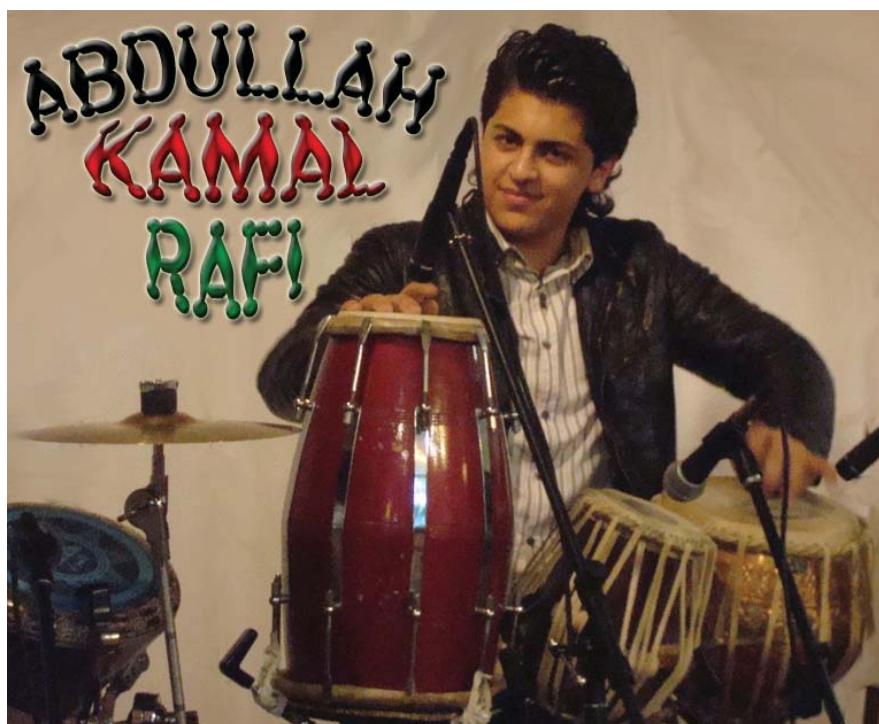
برای این نوجوان رشید پیروزی و نیروی بیشتر تمنا میکنیم.



عبدالله کمال رفیع، فرزند جناب استاد سمیع رفیع، شاعر، نویسنده و موسیقیدان نامور کشور میباشد. او هفده سال دارد و متعلم صنف دوازدهم مکتب است.

عبدالله را در برنامه بی که در بزرگداشت سال جهانی مولانا از جانب فدراسیون پناهندهگان افغان در اروپا، تهیه شده بود، ملاقات کردم. او با مهارت ویژه پدرش را در نواختن طبله همراهی میکرد و آنچه زیبا مینواخت که تماشاگران را از آینده درخشانش مژده میداد. عبدالله موسیقی را نزد پدر خود آموخته است و بر علاوه تعلیمات عمومی در موسیقی، تبله مینوازد. عبدالله در تمام بخش های نوازندگی، یعنی کلاسیک، معتدل، محلی و قوالی، تبله مینوازد و آموزش بسیار خوب دیده است. وی همچنان نزد پدر خود

موسیقی کلاسیک را نیز فرا میگیرد و آواز خوانی را هم تمرین میکند



عبدالله برای بار نخست، زمانی که ۱۲ سال داشت، در کنسرت پدر خود، یک طهمری بیروی را خواند که بسیار تشویق شد و در ۱۳ سالگی، اولین نمایش تک نوازی تبله را اجرا نمود که در آن شب با نواختن تال تینتال و کهر، برای یک ساعت، توجه شنوندگان برنامه را بخود جلب کرد و نهایت تشویق گردید.

خصوصیات شاخص عبدالله در عرصه های مختلف

عبدالله رفیع دارای فرهنگ اصیل افغانی بوده به زبان فارسی فصیح و روان صحبت میکند و مینویسد. از سفرش با فامیل در سال ۲۰۰۵ به افغانستان، خاطرات بسیار خوشی را بخاطر دارد و از اینکه هیچ نوع مشکلی را از بابت زبان و فرهنگ احساس نکرده است، سخت بر خود

صنف زبان مادری ما



رویکردها و اقتباس: "دستور زبان دری" نوشته اکبر سنا غزنوی، "دستور تاریخی زبان فارسی دری" از پوهاند دکتور محمد حسین یمین و "دستور زبان فارسی" از دکتور پرویز ناتل خانلری

شاگردان عزیز،

درس امروز ما در مورد واژه است که میتواند در جمله جانیشین اسم شود تا از تکرار اسم خودداری گردد. البته بعد از شناخت این واژه قصه یی را در نظر گرفته ایم تا شما بتوانید ضمیر و دیگر اجزای یک جمله را که تا حال خوانده اید، در آن نشان دهید.

ضمیر

ضمیر واژه است که در سخن به جای اسم قرار میگیرد و از اینجاست که جانشین اسم گفته شده است. اسمی که به جایش ضمیر می آید، مرجع ضمیر گفته میشود و آن غالباً قبل از ضمیر قرار می داشته باشد. در زبان فارسی سه گونه ضمیر به کار برده میشود: ضمیر شخصی، ضمیر اشاره و ضمیر مشترک.

۱- ضمیر شخصی: آنست که بر جای نام شخص قرار میگیرد و از همین جهت آن را ضمیر شخصی مینامند. چون اشخاص سه گونه اند:

الف: متکلم یا گوینده (شخص اول)

ب: مخاطب و یا شنونده (شخص دوم)

ج: غایب (شخص سوم)

بناء ضمیر شخصی دارای ۶ صیغه میباشد، ۳ برای مفرد و ۳ برای جمع.

از آنجایی که ضمیر به جای اسم به کار میرود، هر حالتی را که اسم در جمله میگیرد، ضمیر نیز دارای چنان حالت است که عبارتند از حالات فاعلی، مفعولی و اضافی.

یادداشت نهال: در یکی از کتابهای آموزش دستور زبان، شخص سوم را "غایب" نیز گفته اند، ولی به گمان من شخص سوم میتواند در جریان موضوع حضور داشته باشد و در موردش صحبت شود؛ لهذا استفاده "شخص سوم" را به جای "غایب" مناسبتر یافتیم.

ضمیر از نظر ارتباط واژه ها دو گونه دارد، یکی ضمیر منفصل و دیگر ضمیر متصل.

الف: ضمیر منفصل

آنست که جدا از واژه نوشته میشود؛ مثل:

اشخاص	مفرد	جمع
گوینده	من	ما
شنونده	تو	شما
شخص سوم	او	ایشان یا آنها

ضمیر فاعلی (منفصل):

شخص اول:	من رفتم.	ما رفتیم.
شخص دوم:	تو رفتی.	شما رفتید.
شخص سوم:	او رفت.	آنها/ایشان رفتند.

ضمیر مفعولی (منفصل):

ش. اول:	مرا گفت	ما را گفت
ش. دوم:	ترا گفت	شما را گفت
ش. سوم:	و را گفت	آنها/ایشان را گفت

ضمیر اضافی یا ملکی منفصل: ضمیری اند که جدا از اسم ماقبل خود آمده عبارت اضافی را تشکیل میدهند و در آن عبارت به جای مضاف الیه می نشینند و در اخیر کلماتی که به « ه » پایان یافته باشد، به صورت یک «ی» مستقل و یا اختصار شده آن به شکل «ه» یا پای خورد نوشته میشود:

ش. اول:	کتاب من	کتاب ما
ش. دوم:	کتاب تو	کتاب شما
ش. سوم:	کتاب او	کتاب آنها/ایشان
	خانه من	خانه ما
	خانه تو	خانه شما
	خانه او	خانه آنها/اوشان/ایشان

ب: ضمیر متصل

ضمیر متصل آنست که پیوست واژه واقع شود و از این قرار است:

ضمیر متصل فاعلی:

ش. اول:	(م) گفتم	(یم) گفتیم
ش. دوم:	(تی) گفتی	(ید) گفتید
ش. سوم:	.	(ند) گفتند

ضمیر متصل مفعولی و اضافی

ش. اول:	م	ما
ش. دوم:	ت	تان
ش. سوم:	ش	شان

نمونه بی از ضمیر مفعولی متصل:

ش. اول:	زدم (مرا زد)	زدم
ش. دوم:	زدت	زدتان
ش. سوم:	زدش	زدشان

نمونه بی از ضمیر اضافی متصل:

ش. اول:	کتابم	کتاب ما
ش. دوم:	کتابت	کتابتان
ش. سوم:	کتابش	کتابشان

۲- ضمیر اشاری

آنگونه ضمیر است که جانیشین اسم گردیده و به آن اشاره میکند تا از تکرار آن جلوگیری شود. نشانه ضمیر اشاری (این، اینها، اینان) و (آن، آنها، آنان) است که اولی برای نامهای اشیاء و اشخاص نزدیک و دومی بجای نامهای اشیاء و اشخاص دور به کار میروند. مثال: کتابم را اینجا گذاشته بودم، ولی حال نیست. در آن راهی که او برود، من نمیروم.

۳- ضمیر مشترک

ضمیر مشترک از واژه های خود، خویش و خویشتن برای هر سه شخص (شخص اول، دوم، سوم) به کار گرفته میشود. مثال: ضمیر مشترک فاعلی: من خود آمدم. ضمیر مشترک مفعولی: من خود را رساندم. ضمیر مشترک ملکی - اضافی: او در کتاب خود نوشت.

ویا: من از زندگی خود راضی استم.

مثال های دیگر را در این عبارت ها میبینیم:

خود دیدم، خود دیدیم، خود گفتی، خود گفتید، خود شنیدی، خود شنیدید

و یا: با خود گفت، با چشم خود دیدید، به راه خود رفتند، با خود برد

اینک میپردازیم به پرسش این بحث و مباحث گذشته این سلسله. برای تمرین بیشتر شما متنی را تهیه دیده ایم. نخست زیر تمام ضمایر آن خط بکشید، سپس دور "اسم" ها یا "نام" های جمله حلقه بکشید و افعال جمله را با رنگ متفاوت نشانی کنید. در آخر صفت های جمله را نیز نشان دهید.

گره و روباه

برگرفته از سایت www.koodakan.org

گره بی سر راه روباهی رسید. گره که فکر می کرد روباه حیوان باهوش و زرنگی است، به او سلام کرد و گفت: حالتان چطور است؟

روباه مغرور نگاهی به گره کرد و گفت: ای بیچاره! شکارچی موش! چطور جرئت کردی که با من احوالپرسی کنی؟ اصلا تو چقدر معلومات داری؟ چند تا هنر داری؟

گره با خجالت گفت: من فقط يك هنر دارم روباه پرسید: چه هنری؟

گره گفت: وقتی سگها دنبالم می آیند، میتوانم روی درخت بپریم و جانم را نجات بدهم.

روباه خندید و گفت: فقط همین؟ ولی من صد هنر دارم. دلم برایت می سوزد و میخواهم به تو یاد بدهم که چطور باید با سگها برخورد کنی.

در این لحظه يك شکارچی با سگهایش رسید. گره در یک چشم برهم زدن به درخت بالا شد و فریاد زد عجله کن روباه!

روباه تا خواست کاری کند، سگها او را گرفتند.

گره فریاد زد: روباه شما با صد هنر اسیر شدید، اگر مثل من فقط يك هنر میداشتید و این قدر مغرور نمی شدید، الان اسیر نمی شدید!

Europe



۳- قاره اروپا

کشور های
اروپایی با
پایتختهای آن

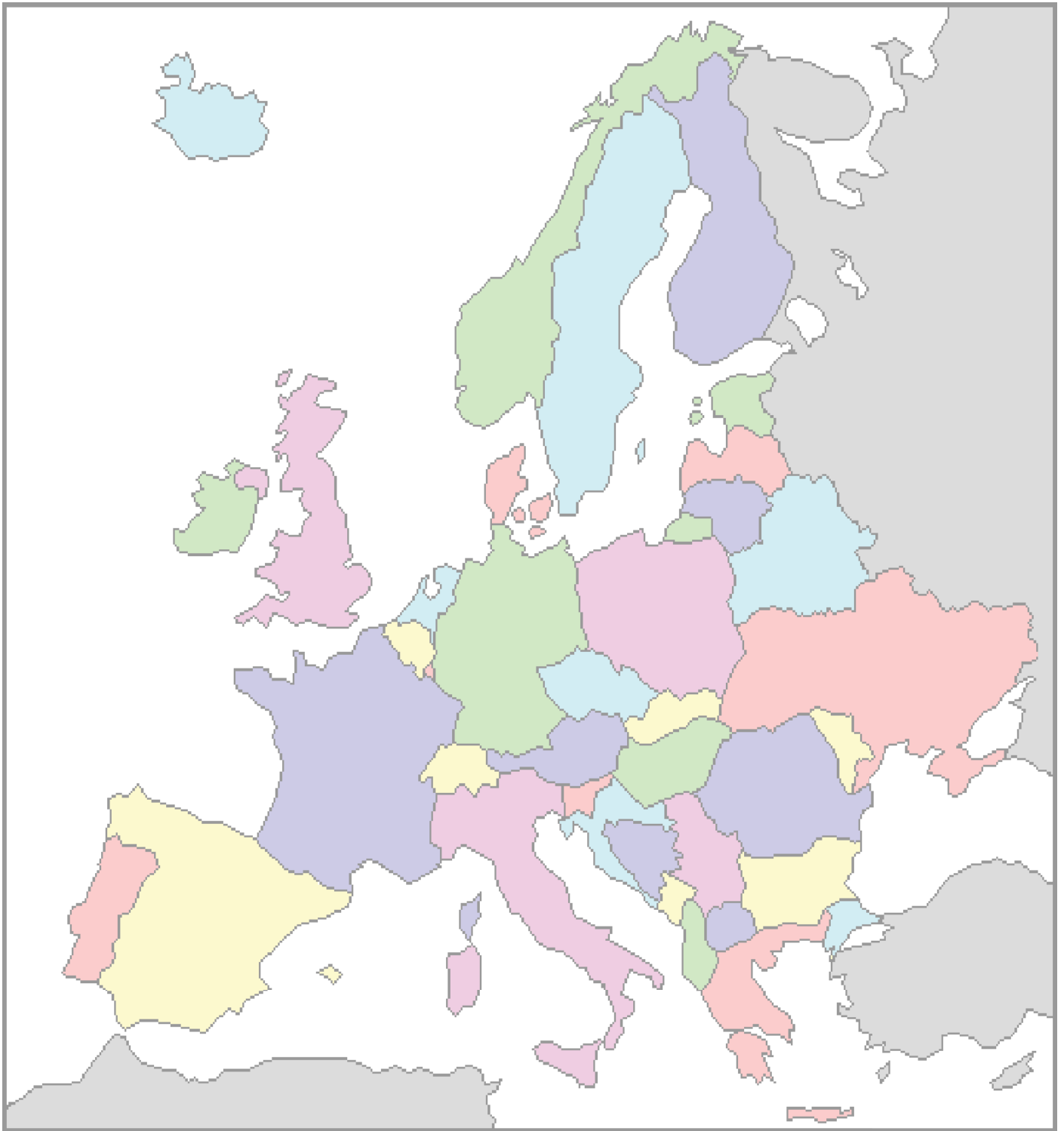
- روسیه - مسکو
- اندورا - اندورا لاویلا
- اُستریا - وینا
- بلیجیم - بروسیل
- دنمارک - کپنهاگن
- فنلند - هلسنکی
- فرانسه - پاریس
- آلمان (Germany) - برلین
- یونان (Greece) - آتن
- واتیکان - شهر واتیکان
- آیسلند - ریچجاویک
- ایرلند - دوبلین
- ایتالیا - روم
- لیچینستین - وادوس
- لوکزامبورگ - لوگزامبورگ
- مالتا - والیتا
- موناکو - موناکو

- مولدویا - کیسینو
- پولند - وارسا
- سیپروس - نیکوسیا
- ترکیه - انقره
- سکاتلند - ایدنبرگ
- والیس - کاردیف
- ایرلند شمالی - بلفاست

- کروتیا - زاگرب
- جمهوری چک - پراگ
- ایستونیا - تالین
- جورجیا - تابلیسی
- مجارستان یا هنگری - بوداپست
- لاتفیا - ریگا
- لیتوانیا - ویلنیوس
- مَسیدونیا - سکوپیه

- انگستان (United Kingdom) - لندن
- البانیا - تیرانا
- ارمنیا - یریفان
- آذربایجان - باکو
- بیلاروس - مینسک
- بوسنیا و هرزگوینا - سراژیفو
- بلغاریا - سوفیا

- هالند (Netherlands) - لاهه (دینهاخ) و امستردام
- ناروی - اسلو
- پرتغال - لیزبون
- سامرینو - سامرینو
- هسپانیا - مادرید
- سویدن - ستوکولم
- سوئیس (Switzerland) - بیرن



شماره های این کشورها را روی روی ساحة مربوط آن در نقشه بگذارید.

- | | | | |
|--------------------|-------------------------|-------------------------------|-------------------|
| ۱- روسیه | ۱۳- ایتالیا | ۲۵- انگلستان (United Kingdom) | ۳۷- لاتفیا |
| ۲- اندورا | ۱۴- لیچتینستین | ۲۶- البانیا | ۳۸- لیتوانیا |
| ۳- آستریا | ۱۵- لوکزامبورگ | ۲۷- ارمنیا | ۳۹- مسیدونیا |
| ۴- بلیجیم | ۱۶- مالتا | ۲۸- آذربایجان | ۴۰- سکوپیه |
| ۵- دنمارک | ۱۷- موناکو | ۲۹- بیلاروس | ۴۱- مولدویا |
| ۶- فنلند | ۱۸- هالند (Netherlands) | ۳۰- بوسنیا و هرزگوینا | ۴۲- پولند |
| ۷- فرانسه | ۱۹- ناروی - اسلو | ۳۱- بلغاریا | ۴۳- سیپروس |
| ۸- آلمان (Germany) | ۲۰- پرتغال | ۳۲- کروتیا | ۴۴- ترکیه - انقره |
| ۹- یونان (Greece) | ۲۱- سانمرینو | ۳۳- جمهوری چک | ۴۵- اسکاتلند |
| ۱۰- واتیکان | ۲۲- هسپانیا | ۳۴- ایستونیا | ۴۶- والیس |
| ۱۱- آیسلند | ۲۳- سویدن | ۳۵- جورجیا | ۴۷- ایرلند شمالی |
| ۱۲- ایرلند | ۲۴- سوئیس (Switzerland) | ۳۶- مجارستان یا هنگری | |

باران تیزابی

ترجمه از زبان هالندی، کتاب Zure Regen- Aarde & Milieu

تهیه کننده: پردیس فقیری با همکاری م. آذر

نویسنده Sally Morgan

باد، آب و آفتاب استفاده کرد و کارخانه های تولید انرژی ساخت. این کارخانه ها هوا و محیط را آلوده نمی سازد. تکنالوژی پیشرفته امروز برای مشکل موترها نیز راه حل پیدا کرده است. موترها می توانند امروزه مصرف تیل کمتر دارند و در میان موتور و نل خروج دود، ساختمانی بنام Katalysator جابجا است که گاز تولید شده موترا

سوخت نیز استفاده میکنند که باعث کثافت بیشتر محیط می شوند. اگر شما آب این دریاچه را با بیل بگیرید، می بینید که باران اسیدی حیوانات و نباتات آن را از بین برده است. خوشبختانه دانشمندان توانستند این نوع آلودگی را پیدا کنند و تدابیری پیشنهاد کنند. یکی از این پیشنهادها استفاده کمتر گازهای کثیف

این نوشته برداشتهایم از کتاب یاد شده است. با مطالعه این کتاب دانستم که ما انسانها چقدر در مقابل طبیعت بی تفاوت بوده ایم؛ با پیشرفت تکنالوژی و صنعت، این کره زیبا را چقدر نادرست استفاده کرده ایم و اگر از این بعد توجه نکنیم، برای آینده و نسل های بعدی چه به جا خواهیم گذاشت؟



نکاتی را که در این کتاب بسیار توجه ام را جلب کرد، برای خوانندگان "نهال" گرد آورده ام و دانستن آن را برای نوجوانان و همسالانم ضروری می بینم.

در گوشه های جهان، درختها و جنگلها از بین میروند. ماهیها از دریاچهها و دیگر آبها نابود میشوند و ساختمانها به مرور زمان بیشتر از حد معمول تخریب می شوند. سبب شماری از این ناگواریها باران اسیدی یا باران تیزابی (Zure Regen) میباشد.

را فلتر میکند و استفاده این نوع موترها در بسیاری کشورها حتمی است. برای جلوگیری از آفت طبیعی باران تیزابی که عامل آن بیشتر انسانها اند، چه باید کرد؟

کننده هوا است. تولید گاز کاربنیک توسط فابریکهها از سال ۱۹۷۰ به اینسو بسیار کم شده است؛ اما حال محیط و هوا بیشتر توسط موترها آلوده میشود. چون استفاده موترا در این اواخر زیاد شده است.

باران اسیدی از مواد کثیف و مضر هوا به وجود می آید و توسط طبیعت و بیشتر در اثر گازهای زهری کارخانه های تولیدات صنعتی، مراکز تولید انرژی و دود موترها در هوا ترکیب میشود. این ماده یک مایع ترش مزه بوده بوی تیز دارد و پس از باریدن بر زمین، زمینه زندگی را برای حیوانات و نباتات نامساعد میسازد.

دانشمندان وسایل مختلفی را برای تشخیص مقدار کثافت باران آلوده بکار میبرند؛ اما اگر با یک نگاه دقیق به نباتات و خانه های دور و پیش خود ببینیم، درمیابیم که محیط ما تا چه حد ازین آلودگی صدمه دیده است. درختان کاج و بید بیشتر از همه از این حادثه ضرر می بینند. خوبترین وقتی که میتوان صحت یک درخت را مطالعه کرد، آغاز تابستان، زمانی که برگ های درختان کلان میباشند،

در بسیاری کشورها پیشرفته تدابیری برای جلوگیری از آلوده شدن محیط گرفته شده است. برای فابریکهها و مراکز تولید انرژی طریقه هایی دریافت شده است که تولید مقدار گازهای آلوده را کم میسازد و همچنان فلترهای مخصوص برای کارخانهها ساخته شده است که مانع پخش و پراگنده شدن گازهای کارخانهها میشود. حال دانشمندان دریافته اند که چگونه میتوان از انرژی

باران اسیدی یک پدیده نو نیست. بیشتر از ۲۰۰ سال به اینسو، زمانی که انسانها به استفاده مواد قوی سوخت مثل ذغال سنگ شروع کردند، گازهایی تولید می گردید که سبب آلودگی هوا می شد. حال انسانها بر علاوه ذغال سنگ، از تیل و دیگر مواد



است. اولین نما های تأثیر این آلودگی در نباتات میتواند زردی و لکه های برگها و ریختن آن باشند. درختانی که شاخه های خشک و برگ های جمع شده چرم مانند پیدا کرده باشند، بیشتر صدمه دیده اند. این درختان آنقدر ضعیف میشوند که به ساده گی از جاهای خشک شده می شکنند.

اگر بخواهیم، میتوانیم سهمی در بهبود محیط زیست داشته باشیم. مثلاً به جای این که با موتر به مکتب و یا جاهای نزدیک میرویم، میتوانیم پیاده و یا با بایسکل برویم؛ زیرا از یکسو به صحت ما مفید است و از جانب دیگر با استفاده بایسکل هوا را آلوده نمیسازیم. در خانه میتوانیم با استفاده از چراغ های کم مصرف و خاموش ساختن وسایل برقی که استفاده نمیشوند، از مصرف انرژی خودداری کنیم. با استفاده کمتر وسایل پلاستیکی، شیشه ای و کاغذی میتوانیم از آلودگی محیط جلوگیری کنیم چون برای تولید دوباره این وسایل انرژی زیاد مصرف میشود که باعث آلودگی هوا میگردد. پس هر قدر استفاده تیل، گاز سوخت و دیگر مواد محروقاتی کمتر باشد، به همان اندازه محیط کمتر آلوده می شود.

اگر ما امروز به این موضوع مهم توجه نکنیم، شاید روزی فرا رسد که فیصدی آلودگی باران نقاط مختلف جهان بیشتر شود و زندگی در روی زمین بیشتر از پیش مشکل گردد. اگر هر انسان در بهبود این وضعیت سهم خود را ادا کند، بی گمان میتوانیم از این آفت طبیعی خود و آینده ها را نجات دهیم.

با امید بسیار، پردیس



کارخانه تولید انرژی در این ساحه سبب آلودگی هوا شده و در نتیجه این درختان مرده اند. همچنان باران اسیدی سطح این مجسمه را که در ایتالیا است، تخریب کرده است.

ماقبل نوشته میشود: مانند:

فِنَّةَ (گروه)
لَوْلَاةَ (مروارید)

هرگاه بعد از همزه پایان کلمه تاء تأنیث بیاید و حرف
ماقبل همزه را یک حرف علت تشکیل داده باشد، در این
صورت هرگاه آن حرف علت یاء باشد، همزه به صورت یاء
نوشته میشود، مانند:

خَطِيئَةَ (گناه)
بَرِيئَةَ (بیگناه)

و هرگاه حرف علت الف و یا واو باشد، همزه به صورت
مستقل نوشته می شود: مانند:

قِرَاءَةَ (خواندن)
مُرُوءَةَ (مردانگی)

... نوشتن حمزه به ادامه صفحه ۴۰

يَقْرَأُ (میخواند) - لَمْ يَقْرَأْ (نخوانده است)

- بالای واو :

لُؤْلُؤٌ (مروارید) - نَمُوْ - تَنْبُؤٌ (پیشگویی)
بالای یاء :

مُتَّكِيٌّ - نَائِثِيٌّ - قَارِيٌّ

و هرگاه بعد از همزه پایان کلمه، تاء تأنیث بیاید و حرف
ماقبل همزه را یک حرف صحیح ساکن تشکیل داده باشد،
همزه به صورت الف نوشته می شود، مانند:

جُرْأَةُ (جرات)

نَشْأَةُ (پیدایش)

و هرگاه حرف مقابل همزه را یک حرف صحیح متحرک
تشکیل داده باشد، بالای حرف همجنس حرکت حرف

سرگرمی ها و پرش ها

- فرق میان دایره و کره چیست؟

- از اتصال دو زاویه مقابل هم در یک مستطیل چند مثلث به وجود می آید؟

- پنج عملیه ریاضی را نام بگیرید.

- تفاوت مقعر و محدب چیست؟

- وتر یک دایره با قطر آن چه فرق دارد؟

- از حروف مشترک هر یک از دسته اصطلاحات علوم ساینسی که در اینجا داده شده، اصطلاح دیگری بسازید:

مثال: مساوی - تقسیم \hookrightarrow قوس (یکی از نشانه های نیشتری ریاضی)

مستطیل - مخرج \hookrightarrow _____ (کوتاه ترین فاصله میان دو نقطه)

ضخامت - ربع \hookrightarrow _____ (یکی از عملیه های ریاضی)

تقسیم - ارتفاع \hookrightarrow _____ (یکی از عملیه های ریاضی)

دایره - تقسیم \hookrightarrow _____ (مرکز اتوم)

منحنی - فزیک \hookrightarrow _____ (یکی از علامه های ریاضی)

- چهار کشور افریقایی و شش کشور اروپایی را نام بگیرید که حرف اول و آخر آن «الف» باشد.

- کدام کشور های آسیایی مرز بیشتر با آب دارند؟

- کدام کشور های افریقایی کاملاً محاط با خشکه اند؟

- کشور های عضو اتحادیه اروپا کدام ها اند؟

- با استفاده از حرفهای این چوکات ها واژه های سه حرفی و چهار حرفی بسازید؛ طوری که دو حرف یک چوکات پهلوی هم نیایند. مثال: گام - قلم - دانش

آ - ا - پ - ت - چ - خ - ذ - ز - ش - ص - ط - ع - ف - ک - ل - ه -

ب - ت - ث - ج - ح - د - ر - ژ - س - ض - غ - ق - گ - م - ن - و - ی

- مترادف واژه های زیر را بتویسید که با حرف داده شده آغاز شود:

جهان : (گ) _____ سرحد (م) _____

مذهب : (ر) _____ فایده (ب) _____

قریه (ر) _____ رخ (گ) _____

- با استفاده از پسوند های مند ، زار ، گین ، واژه های داده شده کلمه بسازید:

سبزه - خشم - آبرو - آب - دانش - ثروت - کشت - عقل

- در زبان فارسی در اخیر نام کدام کشور ها پسوند «ستان» می آید؟

- چند واژه را می شناسید که با سه حرف «درو» آغاز شود؟
مثال: درویش

- باران اسیدی چگونه به وجود می آید؟

- چگونه میتوانیم سهمی در کم شدن آلوده گی هوا داشته باشیم؟

Een hemel van vrijheid

Moeder!
 Neem GAZA in je armen
 Want de oude wolf rent nog
 Zuster!
 Gooi je sjaal over het gezicht van GAZA
 Zodat de ogen van JERUZALEM zich vullen met
 schaamte
 Lief vogeltje !
 Ik geef je een hemel van vrede
 En een hemel van vrijheid mee
 Strooi het over de bloederige haren van PALESTINA
 Zee!
 Zet de stenen van het GEWETEN op
 Zodat de storm van kinderbloed STOPT
 Ik voel aan de gewonde huid van GAZA
 Elke dag is het weer gister
 Altijd weer hetzelfde verhaal
 Woorden komen mij tekort,
 Om te zeggen hoe erg ik baal
 zal er ooit een straal gaan schijnen?
 die het glas van pijn verbreekt,
 Of blijf ik telkens lopen op Joodse mijnen?
 Het bloed dat om vrede smeekt.
 Zal er ooit een dag gaan komen
 Dat ik ontwaak uit deze vurige droom?
 Of blijft het schreeuwen in mijn hoofd
 Voor alle domme kraaien doodgewoon?
 Zal jij je ooit afvragen waarom jij
 Niet leeft maar word geleefd?
 Of blijf je de blinddoek van de leugen dragen
 Met een fake gevoel dat je toch zweeft?
 Het is niet meer de traan in de emmer van GAZA,
 Maar de emmer van GAZA is verzonken in een
 bloedbad
 Er is geen tragedies gedicht in GAZA,
 Maar GAZA in de herhaling van het doden ABC...
 Het begin van het einde,
 Komt steeds naderbij
 Mijn gedicht is het kleine paradijs
 Voor Palestijnse kinderen zonder doodskistjes
 Mijn gedicht is een grote hel
 Voor de JERUZALEMSE misdadigers

Lema Farhoed, Haag / Nederland
 19/01/2009



Lema.f@live.nl



یک آسمان آزادی

مادر!
 غزه گک را در بغل بگیر
 که هنوز هم گرگ قدیمی می دود
 خواهر!
 چادرت را بروی غزه بیانداز
 که چشم های یورشلم بشرمند
 پرنده جان!
 من برایت یک آسمان آرامی
 و یک آسمان آزادی
 میدهم
 بالای موهای خونالود فلسطین پباش
 دریا!
 سنگهای وجدان را بالا کن
 تا که تلاطم خون اطفال ایستاده نشود
 من
 پوست زخمی غزه را احساس میکنم
 هر روز دوباره دیروز می شود
 همیشه یک قصه تکرار می شود
 الفاظ من کمبود می کند
 تا بگویم که چقدر نفرت دارم
 آیا کدام وقتی یک جرعه می درخشند؟
 که شیشه درد را بشکنند
 باز هم آیا بروی ماین ها یهودی میگردم؟
 خونی که تقاضای آرامی دارد
 آیا یک روزی خواهد آمد
 که من از این خواب آتشفشانی بیدار شوم؟
 یا چیغ ها یی که در سر من باقی می مانند
 برای زاغ های لوده عادی است؟
 شما از خود نمی پرسید
 که شما زندگی می کنید یا زندگی شما را می کند؟
 ویا با چشم بند دروغی چشم تانرا می پوشانید
 با یک احساس ساختگی می پرید
 حالا درسطل غزه اشکی نیست
 بلکه سطل غزه در حوض خون غرق شده
 شعر تراژیک غزه
 تکرار الفبای مرگ است
 شروع آخر نزدیک شده میروید
 شعر من یک بهشت کوچک است
 برای کودکان بی تابوت فلسطین
 شعر من یک جهنم بزرگ است
 برای جنایکاران یورشلم

لیمه فرهود، هالند
 ۱۹ جنوری ۲۰۰۹



انرژی چیست؟



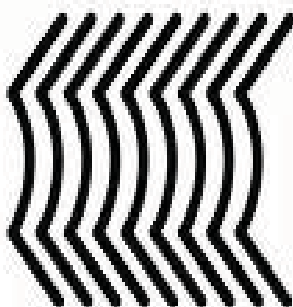
میگیرند به کمک آن نمو می کنند. اگر ما یک درخت را بسوزانیم، درخت از بین میرود. ولی انرژی آن از بین نمیروند بلکه به شکل حرارت و روشنی تغییر شکل میدهد.

انرژی باعث ادامه جهان میشود. ما در موتر تیل می اندازیم، ما غذا میخواریم و یا بتری را در بازیچه خود میگذاریم تا از انرژی آنها استفاده کنیم. انرژی بر روشنی، رنگ، آواز و حرکت تأثیر دارد. اگر انرژی نمی بود، حیات نمی بود؛ چون نمو، حرکت و احساس نمی بود و دنیا تاریک، سرد و بدون زندگی روی آن میبود.



نوجوانان عزیز، این آگاهی ابتدایی را در مورد انرژی برایتان تهیه کردیم و از شما میخواهیم هر معلوماتی را که در این مورد دارید، برای مجله تان بفرستید.

بیشترین مقدار انرژی از آفتاب می آید و جهان را مانند یک بتری قدرت و حرکت میدهد؛ مگر آفتاب انرژی خود را از کجا میگیرد؟ دانشمندان میگویند که انرژی از همان آغاز کاینات که از اثر یک انفجار بزرگ و قوی به میان آمده، وجود داشته است و دیگر هرگز انرژی نو به وجود نمی آید.



انرژی در همه جا است. ماده (هر چیزی که قابل لمس است، مثل آب، لباس و غیره) یک شکلی از انرژی است. یکی از قوانین اساسی در مورد انرژی این است که انرژی نه به وجود می آید و نه از بین میرود؛ صرف شکل آن تغییر میکند. در هر حالت ماده و یا انرژی شکل خود را تغییر میدهد.

انرژی عموماً غیر قابل دید و یا غیر مرئی است. گاهیگاهی میتوانیم انرژی را ببینیم؛ طور مثال اگر تابیدن آفتاب را ببینیم و یا سوختن آتش را؛ اما معمولاً انرژی غیر قابل دید است. طور نمونه اگر یک سنگ را در نظر بگیریم، در تابستان گاهی از اثر تابش آفتاب



آنقدر گرم می شود که حتی امکان دارد یک تخم مرغ روی آن پخته شود. ولی در زمستان بسیار سرد میشود؛ مگر در شکل آن کدام تغییری نمی آید. پس گفته می توانیم که انرژی غیر قابل دید است.

انرژی هیچگاهی در اثر استفاده از بین نمی رود، بلکه شکل خود را تغییر میدهد. درختان انرژی آفتاب را

از احسان سلام

قند و قروت

عدالت الجبری

از گدایان ریاضی دان شنیده بودم که می گفتند: «یک به دنیا، صد به آخرت.»

نگو که در این روزها شوق گدایی به سرم زد و با این طلب و دعا زنگ خانه نماینده دایمی امریکا در ملل متحد را فشار دادم و فریاد زد: «خیرکنید به نام خدا! یک به دنیا، صد به آخرت؛ یک بار در شورای امنیت دنیا، به حال مردم غزه رحم کنید، تا در ملل متحد آخرت، صد بار اجرش را ببینید!»

نماینده امریکا در شورای امنیت دنیای فانی - که به علت زکام دیپلماتیک نتوانست نامش را افشا کند - از پشت دروازه صدا زد: «دعا کن بابو جان! ما در شورای امنیت این دعای الجبری را به بحث گرفتیم و با اتفاق آراء به عدالت الجبری تغییرش دادیم: یک به اسرائیل، هزار به فلسطین.»

دوباره فریاد کشیدم: «الهی خاک سیاه را برداری، به نفت سفید تبدیل شود، قربانت شوم، عدالت الجبری چیست؟»
نماینده دایمی از آن طرف در با لحن دموکراتیک سرم چیغ زد: «سواد که نداری، چرا گدایی می کنی! عدالت الجبری یعنی: یک راکت به اسرائیل، هزار بم به فلسطین؛ یک مرده به اسرائیل، هزار کشته به فلسطین.»

داکتر مکتب از یک شاگرد پرسید:
- تو چه وقت تولد شده ای؟
دخترک گفت:

- من تولد نشده ام. من یک مادراندر دارم.

شما کیستید؟

دو نفر خارجی نا آشنا در اتاقتک ریل - که از جرمنی به سوی هالند می رفت - همسفر شدند. اولی پرسید:

- شما از کجا استید؟

- من «جرغان» استم. اما شما هم خارجی معلوم می شوید؟

- بلی، من هم «هلغان» استم.

از نازک اندامی پرسیدند: «تو آوازخوانی یا برمه کار؟»

آوازخوان ابروگمان، چرخ زنان گفت: «به آوازم چه می بینی، به نازم بنگر / به کمپوزم چه می بینی، به پوزم بنگر.»

از هنرمندی پرسیدند: «در سال های پسین، چند اثر هنری آفریده ای؟»

دهن هنرمند سه صد متر به شرق و غرب دوید و فریاد زد: «ع ز ی ی ی ب اااانک؛ بانکی برای همه!»

ترجمه پرسش فیزی

پسرکی ناوقت به خانه آمد. پدرش پرسید: چرا ناوقت آمدی؟

پسر جواب داد: در جغرافیه خوانده ایم که زمین دور میخورد. در بیرون انتظار داشتیم که چه وقت خانه ما حرکت میکند.

دزدی در محکمه میگفت که من قالین را دزدی نکرده ام. قاضی برایش گفت: ما ده نفر شاهد داریم که ترا در هنگام دزدی دیده اند. دزد با چشم سفیدی جواب داد: هزاران نفر دیگر وجود دارند که مرا ندیده اند.

پسرک پنج ساله یی با پدرش به دیدن مسابقه فوتبال رفته بود. بعد از گذشت نیم ساعت پسرک از پدرش خواست تا به خانه برگردند. پدرش گفت: درست است خانه میرویم به شرطی که تو از همه تماشاگران این مسابقه اجازه بگیری.

مردی نیمه شب از قوقو سگ همسایه از خواب بیدار شد. سگ آرام نمی شد. مرد از جایش برخاست. زنش پرسید: کجا میروی؟ مرد گفت: میروم و سگ همسایه را در حویلی خود میآورم تا همسایه بدانند که قوقو سگ همسایه چقدر ناراحت کننده است.

نوشته پوهنیار عبدالواسع رحمانی

حروف قمری و شمسی

حروف قمری و شمسی

هرگاه در تلفظ کلمه های (قمر) و (شمس) بعد از آوردن الف و لام تعریف (ال) که عربها به وسیله آن اسمهای (نِکِرَة) یا اسمهای دارای معنا و مدلول نامشخص را (مَعْرِفَة) یا اسمهای دارای معنا و مدلول معین و مشخص تبدیل مینمایند. دقت نماییم. دیده میشود که با آمدن (ال) در آغاز کلمه (قمر)، در تلفظ حرفهای آن هیچگونه تغییری رو نما نمی گردد و اینگونه نوشته و تلفظ میشود: الْقَمَرُ.

و اما با آمدن (ال) در آغاز کلمه (شمس)، حرف لام از تلفظ ساقط گردیده و در پهلوی نخستین حرف کلمه که در اینجا حر (ش) میباشد، یک حرف دیگر از جنس خودش افزوده شده و به صورت مشدد و به این گونه نوشته و تلفظ می شود: الشَّمْسُ.

نکته دیگری که باید در اینجا به آن توجه نمود این است که حرف لام در کلمه (الْقَمَرُ) دارای علامت سکون بوده اما در کلمه (الشَّمْسُ) آن علامت را با خود نداشته و عاری از آن میباشد.

وجه تسمیه و یا دلیل نامگذاری این حرفها به (قمری) و (شمسی) اینست که در اینجا حرف اول اسم به قمر یعنی ماهتاب و به شمس یعنی آفتاب و حرف لام در ادات تعریف (ال) به ستاره ها تشبیه شده است؛ چه هنگام موجودیت ماهتاب، ستاره ها نیز در فضاء دیده میشوند، مگر در هنگام موجودیت آفتاب، ستاره ها به چشم دیده نمیشوند.

از جمله بیست و نه حرف در زبان عربی، چهارده حرف آن قمری و چهارده حرف آن شمسی میباشد و یک حرف آن که عبارت از حرف الف میباشد، نه قمری است و نه شمسی؛ زیرا چنانکه میدانید این حرف همیشه ساکن بوده و نمیتواند در آغاز کلمه بیاید.

حرفهای قمری اینها اند:

ب - ج - ح - خ - ع - غ - ف - ق - ک - م - ه - و - ع - ی

اینک برای هر کدام از این حرفها مثالهایی می آوریم:

ب ، مانند : الْبَلَدُ - الْبَابُ - الْبَرَكَةُ
 ج ، مانند : الْجَمَلُ - الْجَوُّ - الْجِسْمُ
 ح ، مانند : الْحَبُّ - الْحَرْبُ - الْحَمْدُ
 خ ، مانند : الْخَيْرُ - الْخَادِمُ - الْخَبْرُ
 ع ، مانند : الْعِلْمُ - الْعَسَلُ - الْعَرْبُ
 غ ، مانند : الْغَيْرُ - الْغُلَامُ - الْغَنِيمَةُ
 ف ، مانند : الْفَلَكُ - الْفَرْحَةُ - الْفَهْمُ
 ق ، مانند : الْقَمْرُ - الْقَلْبُ - الْقَدْسُ
 ك ، مانند : الْكِتَابُ - الْكَرَمُ - الْكَامِلُ
 م ، مانند : الْمُعَلِّمُ - الْمِنَارُ - الْمُحَبَّةُ
 ه ، مانند : الْهَلَالُ - الْهَجْرَةُ - الْهِدَايَةُ
 و ، مانند : الْوَلَدُ - الْوُدُودُ - الْوَأْحِدُ
 ، مانند : الْأَبُّ - الْأُمُّ - الْأَخُ
 ، مانند : الْيَاسُ - الْيَقِينُ - الْيَوْمُ

حرفهای شمسی این حرفها را گویند:

ت - ث - د - ذ - ر - ز - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ل - ن
 و اکنون برای هر کدام از این حرفها مثالهایی آورده میشود:

ت ، مانند : التَّاجِرُ - التَّوْبَةُ - التَّمْرُ
 ث ، مانند : الثَّرْوَةُ - الثَّمْرُ - الثَّلَاثُ
 د ، مانند : الدَّهْرُ - الدَّائِمُ - الدَّرْسُ
 ذ ، مانند : الذَّهَبُ - الذَّوْقُ - الذَّنْبُ
 ر ، مانند : الرَّحِيمُ - الرَّسَالَةُ - الرَّجَاءُ
 ز ، مانند : الزَّمِيلُ - الزَّاهِدُ - الزَّعِيمُ

س ، مانند : التَّهْلُ - التَّلَامُ - التَّسْكُنُ
 ش ، مانند : الشَّجَاعَةُ - الشُّكْرُ - الشَّرْفُ
 ص ، مانند : الصَّبْرُ - الصَّفُ - الصَّوْتُ
 ض ، مانند : الضَّرْبُ - الضَّلَالَةُ - الضَّحِيَّةُ
 ط ، مانند : الطَّاهِرُ - الطَّرْفُ - الطَّلَبُ
 ظ ، مانند : الظَّاهِرُ - الظَّالِمُ - الظَّلُ
 ل ، مانند : اللَّيْلُ - اللَّطِيفُ - اللَّزْمُ
 ن ، مانند : النَّبَاتُ - النَّسِيمُ - النَّوْرُ

نوشتن همزه

همزه حرفیست حرکت پذیر و هرگاه به گونه الف نوشته شود، به نام (الف یا بسه) نیز یاد میشود؛ مانند:

أَعطَى (داد)

سَأَلَ (پرسید)

النَّبَأُ (گزارش)

در این صورت در برابر آن (الف لینه) قرار میگیرد که حرکت پذیر نیست؛ مانند:

قَالَ (گفت)

دَعَا (دعوت کرد)

رَمَى (انداخت)

همزه در آغاز، میانه و پایان واژه ها می آید، مانند:

أَعطَى، سَأَلَ، النَّبَأُ

و اما الف لینه تنها در میانه و پایان واژه ها می آید، مانند: قَالَ، دَعَا و در آغاز واژه ها نمی آید؛ زیرا همیشه ساکن است و واژه های زبان عربی با حرف ساکن آغاز نمی شوند.

همزه در آغاز کلمه

همزه بی که در آغاز کلمه می آید، همیشه متحرک (مفتوح، مکسور یا مضموم) میباشد و همیشه به صورت الف نوشته می شود؛ مانند:

أَخْلَاقٌ - إِنْسَانٌ، أَسْتَادٌ، إِنْشَاءٌ ...

همزه در وسط کلمه

در نوشتن همزه وسط کلمه، ساکن بودن و متحرک بودن آن اهمیت می یابد که آن را به گونه زیرین به بررسی میگیریم:

- هرگاه همزه وسط کلمه ساکن باشد، بالای حرف همجنس حرکت ماقبلش نوشته میشود؛ مانند:

رَأْسٌ - مُؤْمِنٌ - بئر (چاه) - ذئب (گرگ)
 - هرگاه همزه وسط کلمه متحرک باشد، بالای حرف همجنس حرکت خودش نوشته میشود؛ مانند:

سَأَلَ (پرسید) مسؤول (پرسان شونده)

يَسْأَلُ (می پرسد) رؤوف (مهربان)

سَأَلَ (پرسنده) لَيْم (پست فطرت)

و اما همزه مفتوح وسط کلمه که پس از حرف مضموم و یا مکسور می آید، از قاعده بالا مستثنی بوده و بالای حرف همجنس حرکت حرف ماقبلش نوشته می شود؛ مانند:

سُؤَالَ (پرسش) مؤرخ (تاریخ نویس)

مُؤْنَتْ (مؤنث) فئات (گروهها)

مُؤْنٌ (آذوقه) ذئاب (گرگها)

و هرگاه همزه میان حرفهای الف و یاء قرار گیرد، میتوان آن را هم به گونه مستقل و هم به صورت یاء نوشت؛ مانند:

بَقَاعِي و یا بقائي (پاییدن من)

رَجَائِي و یا رجائي (آرزوی من)

و هرگاه همزه میان حرف الف و ضمائر اضافی غیر از متکلم قرار گیرد، قاعده نوشتن آن قرار ذیل است :

هرگاه همزه مکسور یا مضموم باشد، بالای حرف همجنس حرکت خودش نوشته میشود؛ مانند:

بَقَائِهِ بقاؤه (پاییدن او)

رَجَائِهِ رجاءه (آرزوی او)

همزه در پایان کلمه :

هرگاه حرف ماقبل همزه آخر کلمه ساکن باشد، همزه به صورت مستقل و به شکل (ة) نوشته می شود؛ مانند:

جَزَاءٌ - سُوءٌ - شَيْءٌ - أَشْيَاءٌ

سَمَاءٌ - جَزَاءٌ - ضَوْءٌ - بَقَاءٌ

و هرگاه حرف ماقبل آن متحرک باشد، بالای حرف همجنس حرکت همان حرف یعنی حرف ماقبل نوشته می شود، مانند:

- بالای الف :

نَبَأٌ (خبر) - مَنشَأٌ (جای پیدایش) - قَرَأٌ (خواند)

کتاب مقدس هندوان چه نام دارد؟

کتاب مقدس هندوان که کیش هندویی مبنی بر آن است **ودا** نام دارد. این واژه از ریشه ویر به معنای دانش و دانستن است. وداها سرودهایی است به زبان کهن سانسکریت که دو هزار تا هزار سال پیش از میلاد مسیح نوشته شده است. این سرودها در چهار دفتر گردآوری شده است که عبارتند از:

- ۱- ریگ ودا (سرود ستایش خدایان)
- ۲- یاجور ودا (سرودهای نیایش و دستور نذر و قربانی)
- ۳- ساما ودا (آهنگها و نغمه ها)
- ۴- آترو ودا (مخصوص کاهنان قربانی)

فاخ مسلمان اندلس که بود؟

اندلس نام منطقه ایست در جنوب اسپانیا که طارق ابن زیاد آن را فتح کرد. این سردار مشهور اسلام از تنگه میان اسپانیا و مراکش گذشت و بر کوهی که به نام او جبل الطارق نامیده شد. مستقر گردید. او از آن منطقه به خاک اسپانیا حمله کرد و در سال ۹۲ هـ. ق ۷۱۱ م - دولت اسلامی را در جنوب آن کشور تشکیل داد. طارق به نقاط دیگر اسپانیا هم لشکر کشید و شهرهای بسیاری را فتح کرد. بعدها مورخان و نویسندگان مسلمان تمام اسپانیا را اندلس نامیدند. اندلس تا مدتها قلمرو خلافت اسلامی قرار داشت. نامهای امروزی بسیاری از مناطق آن تغییر یافته ی نامهای اسلامی است؛ مانند قرطبه که امروزه کوردوبو خوانده میشود. این سرزمین از دوران حکومت مسلمانان یادگارهای مهمی را در خود جای داده است.

درباره بزرگمهر چه میدانید؟

بزرگمهر از وزیران مشهور دوران ساسانی است. او وزارت انوشیروان را به عهده داشت و رونق و عظمت پادشاهی انوشیروان مدیون کردانی و تدبیر او بود. می گویند کتابی به نام پند نامه که به زبان پهلوی نوشته شده اثر بزرگمهر است. وی نماینده خرد و دانایی روزگار ساسانیان است.

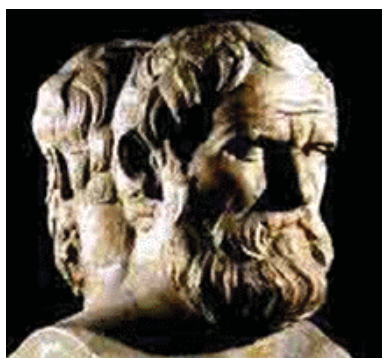


صاحب بن عباد کی بود؟

او وزیر چند تن از امیران آل بویه بود. پدران او از کاتبان و ادیبان آن عصر بودند. خود او در قرن چهارم هـ. ق (دهم م) مظهر بلاغت در زبان عربی شناخته میشد و در ترویج مذهب تشیع تلاش فراوان کرد. او پس از رسیدن به وزارت، ری را به مرکز ادیبان و شاعران بدل کرد. در اهواز به سختی بیمار شد و وقتی بهبود یافت گفت که فقیران به منزلش بروند و هر چه میابند ببرند. میگویند در آن روز نزدیک به ۵۰ هزار دینار لباس و پارچه از خانه او بیرون رفت. او وزیر با تدبیر - بخشنده، مبتکر و نویسنده ای توانا بود و در سال ۳۸۵ هـ. ق ۹۹۵ م - در گذشت.

از زبان تاریخ

با همکاری عزیز احمد عزیز، کانادا



سقراط فیلسوف یونانی در سال ۳۹۹ ق. م به مرگ با این شیوه غیر معمول محکوم شد. او سعی داشت تا حقیقت را با سوال کردن از عقاید مردم و نشان دادن اشتباه آنان بیابد او قصد داشت نظر خود را با دلیل و برهان ثابت کند ولی

این شیوه برای او دشمنان زیادی پدید آورد و سرانجام به مرگ محکوم شد. وقتی زندانبان جام زهر را به سقراط داد سقراط آن را به آرامی نوشید. در حالیکه دوستان سقراط زمینه فرار او را از زندان فراهم کرده بودند او نپذیرفت و تن به مرگ داد.

